



تاکید بر آتش بس
توافق آمریکا، قطر و مصر بر سر غزه



شورش علیه سهمیه بندی
درباره محمد یونس و بنگلادش



در غم سایه
به مناسبت سالگرد هوشنگ ابتهاج



امتداد رئیسی یا خاتمی؟

درباره ترکیب کابینه دولت چهاردهم
و تصمیم نهایی مسعود پزشکیان



سرمقاله

وظایف رئیس جمهور

کابینه فرجانحی فقط در دولت آقای هاشمی
و تحت شرایط خاص اتفاق افتاد
و تحقق آن، اکنون ممکن نیست



سیدحسین مرعشی
دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

در دولت اول آقای روحانی، روزی که قرار شد آقای نهاوندیان، رئیس دفتر رئیس جمهور شود، من جلسه‌ای مفصل با ایشان داشتیم و تجارب قبلی را تشریح و منتقل کردم. به ایشان گفتم: «دوم خرداد ۷۶ در نتیجه ائتلاف جناح میانه کشور که آن زمان با محوریت آیت‌الله هاشمی بود و کار میدانی و عملیاتی آن را حزب کارگزاران سازندگی انجام می‌داد و جناح چپ که دو نهاد داشت؛ یکی روحانیون مبارز و دیگری شورای هماهنگی نیروهای خط امام که آقای بهزاد نسوی آن را اداره می‌کرد، منجر به یک پیروزی بزرگ شد. از فردای پیروزی و پس از بروز اختلاف در میان یاران آقای هاشمی و آقای خاتمی و جدایی جناح‌های وابسته به آنها از هم، منتسج به نتیجه‌ای شد به نام رئیس جمهوری احمدی نژاد. بعد هم آقای هاشمی خانه نشین شد و هم آقای خاتمی و شد آنچه نباید می‌شد. در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد نیز اختلاف بین آقای احمدی نژاد و رهبری و فاصله گرفتن او از پشتوانه اصلی اش که رهبری بود، نتیجه‌اش رئیس جمهوری روحانی شد و اگر آن فاصله ایجاد نمی‌شد، ایشان رئیس جمهور ایران نمی‌شدند و امروز شما (آقای نهاوندیان) هم رئیس دفتر رئیس جمهور نبودید». مشابه اتفاقات پیشین، پس از انتخابات دور دوم آقای روحانی هم افتاد و نزدیکان آقای روحانی بر این طبل می‌کوبیدند که هیچ‌کس به روحانی کمکی نکرده و ایشان صرفاً رای خودش را هم در دور اول و هم در دور دوم داشته است. در دور دوم یک فاصله رای بود ولسی در دور اول آقای روحانی کمتر از یک درصد بالاتر از آرای که باید می‌داشت را داشت. من همیشه به آقای واعظی می‌گفتم که همین حدود یک درصد را به حساب آقای هاشمی، خاتمی و اصلاح طلب‌ها بگذارید. چراکه آقای روحانی همین میزان ناچیز را اگر نمی‌داشت که رئیس جمهور نمی‌شد.

متأسفانه به دلیل اینکه دوستان تاریخ را مطالعه نکرده و حوادث را درست بررسی نمی‌کنند عین همان اتفاقات ممکن است مجدداً تکرار شود. لذا به عنوان یکی از کسانی که خودش را به آقای پزشکیان نزدیک می‌داند باید تاکید کنم که با این فرمان حرکت کردن و نادیده گرفتن همه کسانی که جمع شدند و مردم را بسیج کردند و رای را ساختند، اشتباه است. همان‌طور که نظقی مانند سخنان آقای عبدالعلی زاده در جمع فعالان ستاد دکتر پزشکیان که ما خودمان بودیم و بعد اصلاح طلبان آمدند سپس اصولگرایان و... اشتباه بود.

یک روز آقای روحانی به آقای جهانگیری گفت: «تتها ماندم و خوردم». جهانگیری هم در جواب ایشان گفت: «خودتان تهایی را انتخاب کردید. شما به جبهه حامیان خود پشت کردید. وقتی هم که مخالفان تان حمله را به سمت شما شروع کردند و زمین گیر شدید، معلوم شد آنهایی که پشتت بودند، دیگر نیستند و...». آقای پزشکیان رئیس جمهور عزیز ماست اما نه از حسن روحانی قدرتمندتر است و نه اندازه او تجربه حاکمیتی دارد. بالاخره روزی که آقای روحانی رئیس جمهور شد ۲۴ سال در شورای امنیت ملی و چهار دوره نماینده مجلس بود و علاوه بر تجربه خبرگان، نایب رئیس مجلس هم بود. بنابراین اطرافیان آقای پزشکیان باید بدانند که به هیچ وجه نباید اجازه دهند که با فرمانی حرکت شود که خدای ناکرده احزاب و گروه‌های حامی و پای کار ایشان در انتخابات، احساس کنند که نظرات و مطالباتشان نادیده انگاشته می‌شود.

ادامه در صفحه ۲

دختران تاریخ ساز

پیروز مسابقه حساس **ناهید کیانی** با پرچم ایران و **کیمیا علیزاده** با پرچم بلغارستان
#دختران ایران بوده و هستند که فاصله‌ای بین هم نمی‌بینند و توجهی به اختلاف افکنان ندارند

روزی پنجشنبه ۱۸ مردادماه در روز دوم از رقابت‌های تکواندو در سی و سومین دوره بازی‌های المپیک بازی نخست ناهید کیانی، تکواندوکار کشورمان با کیمیا علیزاده بود. این دو ورزشکار چهار سال قبل هم در چارچوب بازی‌های المپیک توکیو با یکدیگر مبارزه کرده بودند که کیمیا علیزاده در آن مسابقه پیروز شده بود. این بار اما ناهید کیانی که برای انتقام آن شکست به میدان آمده بود، موفق شد در یک مسابقه بسیار حساس و نزدیک در ثانیه‌های پایانی مقابل هم‌بازی سابق خود به پیروزی دست یابد. کیانی بعد از این پیروزی به مصاف تکواندوکار تونس رفت و در آنجا هم موفق شد، حریف خود را در جدالی سخت و نزدیک شکست دهد. این ورزشکار ایرانی در راند نخست به پیروزی رسید، در راند دوم شکست خورد اما در راند طلایی موفق شد با برتری حریف خود را از پیش بردارد.

ادامه در صفحه ۷



فانزه مومنی
گروه اجتماعی



ادامه سرمقاله

وظایف رئیس‌جمهور

البته باید به طور جدی از نهادهایی که بیشتر از همراهان آقای پزشک‌های مانند آقای ظریف و چهره‌های حاضر در شورای راهبری لیست تهیه کرده و در مورد اسامی برآمده از کارگروه‌ها و شورای راهبری، بیش از اندازه سخت‌گیری کرده‌اند نیز گلایه کرد. ضمن اینکه نیازی نیست آقای پزشک‌های تسلیم نظرات غیرمنطقی نهادهای امنیتی و نظارتی شوند. ضمن اینکه پاسخ به استعلامها هم باید مستند باشد و هم رئیس‌جمهور برای پاسخ‌های منفی باید پاسخ و ادله منطقی طلب کند. چون ایشان به عنوان رئیس‌جمهور، مأموریت بسیار سنگینی بر دوش دارند. حدود ۵۰ درصد جامعه ما در این انتخابات، منتقد و مخالف بودند و خود را کنار کشیدند. حدود ۶۰ درصد از ۵۰ درصد افرادی هم که در انتخابات شرکت کردند به ایشان - یا به بیان صریح‌تر به تغییر - رای دادند. این ۶۰ درصد یعنی ۳۰ درصد کل جامعه ایران. یعنی نظام جمهوری اسلامی در موقعیتی بسیار ویژه قرار دارد. به طوری که می‌توان گفت: حدود ۸۰ درصد جامعه یا منتقد وضع موجود هستند یا مخالف آن. آیا آقای پزشک‌های قصد دارد برای سال یا سال‌های آینده، حداقل نیمی از این ۸۰ درصد را امیدوار کند و به صحنه سیاسی کشور برگرداند یا خیر؟ اگر می‌خواهد این کار را انجام دهد، وظیفه سنگینی روی دوشش است. گام اول در زدن استارت «امیدواری»، ترکیب و کیفیت کابینه‌ای است که قرار است فردا به مجلس معرفی شود. آقای پزشک‌های ابتدا باید ۳۰ درصد جامعه که به ایشان رای دادند را توسط کابینه قانع کند و در گام بعدی برای امیدوار کردن آن ۵۰ درصدی که در انتخابات شرکت نکردند به ابتکاری دست بزند.

در مورد کابینه وفاق ملی هم باید گفت که کابینه فراچناقی فقط در دوره آقای هاشمی اتفاق افتاده و آن هم کاملاً دلایل سیاسی روشنی داشته است. زیرا هم چپ و هم راست در انتخابات حامی آیت‌الله هاشمی بودند. حتی آن زمان در دور دوم آقای هاشمی به غیر از تعدادی از روحانیون مبارز، بقیه چپ‌ها از ایشان حمایت کردند. اکنون این کار چطور قابل تحقق است با انتخاباتی که جناح اصولگرا تمام توانش را در حمایت از رقیب وارد میدان کرده بود؟ یعنی در مرحله اول که هم ظرفیت تکنوکراتش را با قالیباف و هم ظرفیت رادیکالش را با جلیلی همراه ساخته بود و در مرحله دوم نیز همه را یکپارچه پشت سر جلیلی بسیج کرده بود و در نهایت هم شکست خورد، الان بیاید و با استفاده از برای مفهوم «وفاق» بگوید ما هم شریک؟! خیر.

عراً و منطقاً کابینه آقای پزشک‌های باید کابینه جناح پیروز باشد و کاملاً رای‌دهندگان را راضی و قانع کند. بنا بر اطلاعاتی که بنده دارم، این رویکرد مورد نظر جناب رئیس‌جمهور هم بوده و جای نگرانی وجود ندارد و انشاءالله مردم باید با کمی صبر شاهد اعلام کابینه‌ای درخور و شایسته خواهند بود. به انکای تجربه تاریخی‌ای که داریم، تحلیل من این است که الان در یک نقطه حساسی در تاریخ هستیم. همه ما علاقه‌مندیم که امید ایجاد شده در جامعه پایدار بماند و تقویت شود و آقای پزشک‌های موفق شود چرا که مقام معظم رهبری نیز فرمودند: موفقیت آقای پزشک‌های، موفقیت کشور است. به هر روی، این رئیس‌جمهور است که باید با چاره‌اندیشی برای این حجم وسیع از امور معطل و بر زمین مانده، شعله‌های امید را دوباره در سینه ایرانیان شعله‌ور سازد. ایشان است که باید کشور را به مدار توسعه برگرداند. ایشان است که باید برای ۲۵ درصد کسری بودجه و پایین بودن نرخ پس‌انداز در ایران چاره‌ای بیندیشد. ایشان است که باید تورم ۴۰ درصدی را در کشور پایین بیاورد و ... اینها همه بر دوش ایشان است و بدون داشتن پشتوانه جدی مردمی، به خدمت گرفتن کارشناسان زبده، بهره‌مندی از دیدگاه‌های روشن و داشتن روحیه مبارزه امکان‌پذیر نیست. بر مبنای نکاتی که گفته شد، یکایک ما باید آقای پزشک‌های را در طی این مسیر صعب، یاری دهیم.

کُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ

برادر ارجمند؛ جناب آقای

علی اصغر شفیعیان

مدیر پایگاه خبری انصاف‌نیوز

مراتب تسلیمت ما را

در فقدان پدر گرمی‌تان پذیرا باشید.
 روحشان قرین رحمت واسعه الهی
 و خلد برین سرایشان باد.

محمد قوچانی، اکبر منتجبی، امیراقتنای



تجربه جدید دموکراسی

محمدجواد ظریف، معاون راهبری رئیس‌جمهور: درباره جلسه شورای راهبری در حوزه‌های محیط زیست، زنان، رفاه و جوانان می‌توان گفت که این یک تجربه جدید شفافیت و دموکراسی در مسیر پیچیده و دشوار انتخاب وزراست. همچنین نگرانی‌ها نسبت به برخی شایعات توسط اعضای شورای راهبری بیان شد. این یک تجربه جدید شفافیت و دموکراسی در مسیر پیچیده و دشوار انتخاب وزراست.



انحصار صداوسیما

مصطفی کواکبیان، دبیرکل حزب مردم‌سالاری: مرجعیت رسانه‌ای که برخی از دوستان گفتند، حقیقتاً فقط بحث مطبوعات نیست، یک بخشی هم بحث تلویزیون‌های اینترنتی است که همه آنها بدون استثنا در اختیار دستگاه‌های دولتی است. ما چون خودمان اقدام کردیم به نتیجه نرسیدیم. اگر قرار است مرجعیت واقعی رسانه ایجاد شود باید از انحصار صداوسیما درآید و به گونه‌ای باشد که اصحاب رسانه بتوانند حرف‌هایشان را بگویند.

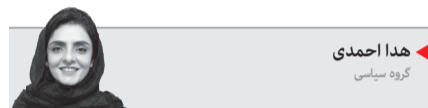


دهقان نمی‌رود

حسین دهقان، رئیس بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی: به هیچ عنوان و در هیچ شرایطی بنیاد مستضعفان را ترک نمی‌کنم. بنیاد را محل خدمت می‌دانم و عنایت رهبری در سپردن این امانت به خودم را پاس می‌دارم. دولتی‌ها هم دنبال بودند و هر روز در رسانه‌ها مطرح کردند ولی یک کلمه همان اول گفتیم اینجا کارهای زیادی دارم و از همین جا هم به دولت می‌توانم کمک کنم.

امتداد رئیسی یا خاتمی؟

اخبار استفاده از برخی اعضای کابینه دولت سیزدهم در دولت چهاردهم با واکنش فعالان سیاسی روبه‌رو شد



رئیس‌جمهور پزشک‌های، چه قبل از اینکه آرای مناسب برای پیروزی را به دست بیاورد و چه در مناظره‌ها و برنامه‌های تبلیغاتی اش، پایان دادن به منازعات سیاسی را تکرار می‌کرد. در واقع می‌توان این‌طور گفت که پزشک‌های همچنان از ضرورت به پایان رسیدن اختلافات داخلی سخن می‌گوید. به عقیده او شرایط کشور ایجاب می‌کند که گروه‌های سیاسی اختلافات را کنار بگذارند و با هم دست دوستی بدهند تا کشور از این شرایط سخت عبور کند. پافشاری رئیس‌جمهور چهارم تا جایی پیش رفت که حتی اکنون شاهد به‌کارگیری برخی از دولتمردان سیزدهم هم هستیم. مساله‌ای که این سوال را در اذهان عمومی

به وجود می‌آورد که آیا مسعود پزشک‌های قرار بود در امتداد خاتمی حرکت کند، امتداد دادن به دولت ابراهیم رئیسی را نیز لحاظ کرده است؟ به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران علاوه بر ۵۰ درصد آرای که هرگز به صندوق‌های رای ریخته نشد، باقی آرای ریخته شده به صندوق پزشک‌های، یک «نه» بزرگ به دولت قبل گفته بودند بنابراین چنین رویه‌ای نه تنها اندک امید بازگشته به جامعه را از بین خواهد بود بلکه دیگر شاید هیچ روزنه‌ای برای اصلاح باقی نماند. البته برخی دیگر هم اعتقاد دارند که خبرهای رسیده مبنی بر حضور قبلی‌ها شایعه‌ای بیش نیست و امکان ندارد که کابینه رئیس‌جمهور چنین خروجی‌ای داشته باشد. پزشک‌های از مناظره‌ها تا آخرین دیداری که با نمایندگان مناطق اهل تسنن در مجلس داشت نیز - مجدداً از انسجام، وحدت و هم‌افزایی همه ظرفیت‌ها که لازمه حکمرانی مطلوب و پیشبرد امور کشور است، سخن گفت و با تاکید بر اهمیت هماهنگی با رهبر معظم انقلاب اسلامی و دیگر ارکان نظام، تلاش برای اصلاح و ارتقای کارآمدی برنامه‌ها و اسناد بالادستی را اولویت دولت چهاردهم دانست:

«ناکارآمدی و شایسته‌محور نبودن از معضلات ساختار نظام اداری کشور است و راه‌حل غلبه بر این مشکل در وهله اول تلاش برای ایجاد انسجام، همدلی و وحدت و در مرحله بعد ارتقای کارآمدی نظام اداره کشور با روش‌های علمی و تجربه شده، است».

در عین حال آن‌طور که محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور می‌گوید، نگاه به همه مردم در سراسر کشور یکسان است و ایران را برای همه می‌خواهیم. همه ایران باید در دولت با گرایش‌ها و نگاه‌های مختلف، نقش داشته باشند. کابینه دولت متشکل از همه گرایش‌های فکری خواهد بود. ما باید ۸۵ میلیون ایرانی با نگاه‌ها، قومیت‌ها، فرهنگ‌ها و مناطق مختلف را نمایندگی کنیم.

روز گذشته مشاور فرهنگی و اجتماعی رئیس‌جمهور سیزدهم نیز از زمزمه‌هایی که در این رابطه شنیده شده، سخن گفت. سیدمحمد حسینی که معاون پارلمانی دولت رئیسی است و روزهای آخر کارش را سپری می‌کند در گفت‌وگویی که با خبرآنلاین داشت، گفت: «هنوز بحثی مطرح نشده است. اما من شنیدم پزشک‌های بنا دارد از اعضای دولت سیزدهم حدود دو سه نفری را در دولت چهاردهم استفاده کند. برای

مثال، بحث علی‌آبادی برای بر عهده گرفتن وزارت نیرو مطرح است. او قبلاً هم معاون وزارت نیرو بوده است، اگر این کار انجام شود، کار خوبی است چرا که شعار پزشک‌های هم دولت وفاق ملی است و یک جناح در دولت نباشد، همان‌طور که در اوایل انقلاب، در دولت زمان جنگ هر دو طیف سیاسی حضور داشتند». همچنین ناصر ایمانی فعال اصولگرا هم با هشدار به دولت جدید درباره دولت وفاق ملی هم تاکید کرد: «اگر کسانی در ذهن‌شان این است که وفاق ملی به معنای این است که آقای رئیس‌جمهور از ۲۰ نفر اعضای کابینه ۱۰ نفر را از این جناح و ۱۰ دیگر را از آن جناح انتخاب کند، سخت در اشتباه هستند. این کار به شدت مضر است».

گویا خبرهای این‌چنینی به مذاق کابینه رئیسی خوش آمده است. به طوری که حتی یکی از منتقدان سرسخت معتدلین و اصلاح‌طلبان به نام نادر قاضی‌پور گفته است که قرار



است دولت دکتر پزشک‌های، دولت وحدت ملی از همه اقوام و مذاهب و جریان‌های سیاسی باشد. این عضو کمیسیون صنایع مجلس دهم در گفت‌وگو با ایسنا در پیشنهادی خواستار مشارکت نمایندگان اصناف مردم و جریان‌های سیاسی در دولت چهاردهم شد.

لزوم حفظ اعتماد مردم

ایسنا واکنش‌ها در حالی است که تحلیلگران سیاسی معتقدند که اگر بودن مردان دولت قبل صحت داشته باشد، تصمیم مسعود پزشک‌های در چیدمان کابینه چهاردهم با موج گسترده انتقادات از او همراه خواهد بود. مثلاً محمد فاضلی، جامعه‌شناس درباره گمانه‌زنی‌ها پیرامون ابقای برخی افراد در کابینه دولت چهاردهم نوشت: «داشتن آدم‌هایی از همه کابینه‌ها، توافق‌سازی یا ساختن دولت وفاق ملی نیست. به‌خصوص که برخی آدم‌های همه دولت‌ها، نمادهای بدی هستند، نماد آدم‌هایی که شخص‌شخص «سرمایه اجتماعی» با شنیدن نامشان غش می‌کند، کبیر می‌زند و از دست می‌رود. برخی اسامی فقط اسم نیستند، نمادند، نماد ناجور! نجسب!» همچنین عباس عبدی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در شبکه

اجتماعی ایکس نوشت: «درباره انتخاب وزرا حساسیت زیادی ندارم چون دست آقای پزشک‌های خیلی باز نیست پس ایشان باید اعتماد کند. از جمله اگر آقای علی‌آبادی برای نیرو معرفی شود به واسطه حمایت کامل مشاور عالی آقای رئیس‌جمهور است و مسئولیت وضعیت آینده برق را آقای مشاور پیشاپیش از طریق این حمایت پذیرفته‌اند».

پروانه سلحشوری، نماینده ادوار مجلس نیز چندی پیش در یادداشتی در مورد وفاق ملی و تشکیل کابینه‌ای مبنی بر همین شعار که از طرف پزشک‌های داده شده، نوشت: «باید در نظر داشته باشیم، وقتی بحث وفاق ملی و انسجام مطرح می‌شود به کلیت جامعه برمی‌گردد. در جامعه‌ای که تا حد زیادی خسته، ناامید و گسسته بوده است و اکنون دولتی می‌خواهد سر کار بیاید که دوباره مردم را به هم پیوسته و اعتماد متقابل و سرمایه اجتماعی را بین آنها افزایش دهد، می‌تواند برای آحاد آن جامعه نویدبخش باشد. اما به نظر می‌رسد اینکه آیا دولتی که قرار است در مفهوم وفاق ملی تشکیل بشود به این معنی باشد که احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف نیروهایی در دولت داشته باشند تا حدی این مفهوم مسبوق به سابقه نیست. البته قبلاً نیز شاهد این موضوع بوده‌ایم حتی در زمان دولت آقای روحانی هم دقیقاً این مساله مطرح می‌شد که در کابینه باید از نیروهایی که حتی حامی ایشان هم نباشند، استفاده کنند».

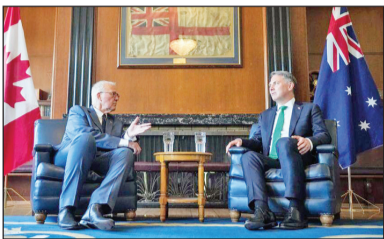
مخلص کلام اینکه به ظن بسیاری از صاحب‌نظران طبیعتاً می‌توان حتی به آن جریانی که با کمر همت مسعود پزشک‌های به کمک مردم از کرسی ریاست‌جمهوری و تصمیم‌سازی‌های کلان سیاسی کشور دور شد از گفتمان خودش دست کشید، برای آن گفتمان تلاش نکرد و آن گفتمان را گفتمان بر حق تفسیر نکرد، نزدیک شد و ترک مخاصمه کرد تا آغازی برای گفت‌وگو و محاوره شود اما مادامی که در عمل، نشانه‌هایی دال بر این دیده شود که آنها دست از اندیشه مخرب و واپس‌گرا برای مردم و انزواآفرین برای کشور نکشیده باشند حتی اگر صبح تا شب با آنها سر یک سفره نشسته و دوست باشید، آن اندیشه به مبارزه با این اندیشه خواهد آمد. لذا ما باید در جدال اندیشگی، اندیشه مغلوب را همچنان اندیشه مغلوب بدانیم در صورتی که با گروندگان پیشین آن اندیشه، اگر ترک کرده باشند دست دوستی بدهیم اما این موضوعی است که باید در عمل اثبات شود.

رئیس‌جمهور چهاردهم تلاش دارد در همان قالب شخصیتی و رفتاری که وارد کارزار انتخابات شد و سالیان سال است که با آن زندگی کرده، سخن بگوید. شفاف‌سازی و صداقت بدون منازعات سیاسی. اما نکته مهم این است که علاوه بر تداوم راهبرد آشتی سیاسی توسط پزشک‌های، طی کردن سیر و سلوک سیاسی آن نیازمند فرهنگ‌سازی و شکل‌گیری یک گفتمان جدید سیاسی است. فرهنگ و گفتمانی که در گام نخست باید بر یک‌سری اصول و مبانی فکری تعریف شده و حل مسائل و چالش‌های موجود کشور و نه صرفاً شعاری باشد زیرا چه بسا هر روشی بدون در نظر گرفتن علم سیاست و احزاب، ممکن است رئیس‌جمهور جدید را در آینده‌ای نزدیک در دام حقه‌های جریان رقیبش که چندان دل خوشی از او و همراهانش ندارند، بیندازد.

دیدگاه: گزارش خارجی

علیه پکن

کانادا و استرالیا همکاری نظامی
برای مهار چین را تقویت می کنند



کانادا و استرالیا با اشاره به ادعاهای چین در آبهای مورد مناقشه در دریای چین جنوبی اعلام کردند که همکاری‌های نظامی و دفاعی خود را افزایش خواهند داد. بیل بلر، وزیر دفاع کانادا پنجشنبه گفت که امنیت در منطقه هندو پاسیفیک دچار چالش شده است. وی همچنین پکن را به تلاش برای شکل‌دهی دوباره به نظام بین‌الملل برای پیشبرد منافع خود متهم کرد. بلر پس از گفت‌وگوهایی که در ونکوور با ریچارد مارلس، وزیر دفاع استرالیا داشت، اظهار کرد که این دو کشور برای حفظ نظم در منطقه هندو پاسیفیک باید همکاری نزدیکتری داشته باشند. وی به خبرنگاران گفت: ما توافق کردیم با تعمیق همکاری‌های عملیاتی تعامل میان نیروهای مسلح خود را افزایش دهیم. بلر و مارلس نسبت به آنچه ادعاهای افراطی چین در دریای چین جنوبی و فعالیت نظامی پکن در اطراف تایوان خواندند، ابراز نگرانی کردند. مارلس اظهار کرد: همکاری ما مبتنی بر بازدارندگی است. ما تلاش می‌کنیم که از بروز مناقشه جلوگیری کنیم. این دیدار در حالی انجام شد که نخستین رزمایش مشترک فیلیپین با کانادا، استرالیا و آمریکا در آب‌های دریای جنوبی چین چهارشنبه در حالی آغاز شد که تنش میان پکن و مانیل در این راه آبی به تازگی بالا گرفته و پکن را بیش از پیش با دغدغه‌های امنیتی مواجه کرده است. ارتش‌های این چهار کشور اعلام کردند که فیلیپین، کانادا، ایالات متحده و استرالیا اولین رزمایش مشترک خود را در دریای جنوبی چین آغاز کردند تا همکاری بین نیروهای خود را افزایش دهند و آن را تقویت کنند.

آمریکا به عنوان هم‌پیمان فیلیپین در ماه ژوئن گذشته رزمایش مشابهی در این آب‌های مورد مناقشه با ژاپن و فیلیپین برگزار کرده بود. در بیانیه چهار کشور برگزارکننده رزمایش از حق آزادی دریانوردی و پرواز بر فراز دریای جنوبی چین حمایت شده و آمده است: یگان‌های نیروی دریایی و هوایی این چهار کشور با یکدیگر در منطقه (محدوده) اقتصادی انحصاری ۲۰۰ مایل دریایی (۳۷۰ کیلومتری) مانیل برای بهبود و قابلیت همکاری به فعالیت خواهند پرداخت. در حالی چهار کشور یاد شده در آب‌های دریای جنوبی چین اقدام به برگزاری رزمایش مشترک کردند که طی روزهای اخیر مانیل، دورترین نقطه دریایی خود که منطقه مورد مناقشه با چین در دریای جنوبی چین بوده را تقویت کرده است چرا که پکن با مانیل بر سر محدوده آن اختلاف دارند.

اخیراً منابع محلی اعلام کرده بودند که دولت فیلیپین کشتی متعلق به جنگ جهانی دوم خود در دریای جنوبی چین واقع در جزایر صخره‌ای «توماس شول دوم» (the Second Thomas Shoal)، منطقه دریایی مورد مناقشه با پکن را به عنوان نقطه نهایی پست دریایی خود طوری تقویت و تحکیم کرد که می‌تواند برای ۱۰ سال آینده دوام آورد. جزیره صخره‌ای «توماس شول دوم» که در فاصله ۱۹۴ کیلومتری استان جزیره‌ای «پالاوان» فیلیپین واقع است، علاوه بر فیلیپین مورد ادعای کشورهای چین، تایوان و ویتنام است.

جزیره صخره‌ای «توماس شول دوم» که در فاصله ۱۹۴ کیلومتری استان جزیره‌ای «پالاوان» فیلیپین واقع است علاوه بر فیلیپین مورد ادعای کشورهای چین، تایوان و ویتنام است. فیلیپین در سال ۱۹۹۹ میلادی به طور عامدانه کشتی «سیرا مادرا» کشتی آمریکایی آبی-خاکی در اختیار نیروی دریایی فیلیپین - را در جزیره «توماس شول دوم» به گل نشاند تا ادعاهای خود نسبت به آب‌های مورد مناقشه در اطراف آن را تقویت کند و از آن زمان گروه کوچکی از ملوانان نیروی دریایی خود را در آنجا حفظ کرده است. اختلاف و تنش‌ها در آبراه مورد مناقشه بین فیلیپین و چین در سال گذشته به خشونت تبدیل شده است به طوری که یک سرسبز فیلیپینی ماه گذشته در یک درگیری انگشت خود را از دست داد.

منبع: رویترز



بازگشت پوجدومون

لویس لاک، رئیس مجلس ملی منطقه کاتالونیا در اسپانیا اعلام کرد کارلس پوجدومون، رئیس سابق دولت کاتالونیا و رهبر جدایی طلب کاتالان‌ها که پلیس اسپانیا اخیراً پس از بازگشت وی به این کشور سعی در بازداشت او داشت همچنان آزاد و سالم است. منابع محلی اعلام کرده‌اند که این سیاستمدار کاتالان بلافاصله پس از سخنرانی خود در میان انبوه جمعیت ناپدید شده است.



تلفات اوکراین

وزارت دفاع روسیه اعلام کرد: از زمان شروع حمله اوکراین به منطقه کورسک در خاک روسیه تا کنون ۹۴۵ سرباز و ۱۰۲ خودروی نظامی نیروهای مسلح اوکراین از بین رفته است و تلاش نیروهای روسیه برای مقابله با پیشروی اوکراینی‌ها همچنان با قدرت ادامه دارد. وزارت دفاع روسیه همچنین اعلام کرد، نیروی هوایی و موشکی این کشور به نیروهای مسلح ذخیره اوکراین در منطقه «سومی» حمله کرده‌اند.



دستور فیلترینگ مادورو

نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا اعلام کرد: پلتفرم شبکه اجتماعی ایکس چندین بار قوانین ونزوئلا را نقض کرده بنابراین فعالیت آن در این کشور به مدت ۱۰ روز به حالت تعلیق در خواهد آمد. مادورو گفت که این شبکه اجتماعی همه‌هنگام‌های خود را زیر پا گذاشته و با تحریک نفرت، فاشیسم، جنگ داخلی، مرگ، رویارویی با ونزوئلا، تمام قوانین ما را نقض کرده است.

تاکید بر آتش‌بس

آمریکا، قطر و مصر اعلام کردند: توافق برای توقف درگیری‌های غزه و آزادی اسرا تکمیل شده است



فرشاد گلزاری
گروه بین‌الملل

پس از ترور اسماعیل هنیه، رئیس پیشین دفتر سیاسی حماس بسیاری از تحلیلگران سیاسی بر این عقیده بودند که اسرائیل برای مدتی ممکن است از اجرای عملیات‌های نظامی خود در غزه (جبهه جنوب) همچنین مرزهای جنوبی لبنان (جبهه شمال) خودداری کند و بیش از این تنش را در این دو جبهه تحریک نکند اما این تحلیل بر اساس مستندات و وقایع میدانی که طی روزهای اخیر رخ داده به حاشیه رفته است. برای مثال، شبکه خبری الجزیره (جمعه) اعلام کرد که ارتش اسرائیل، خانه‌ای را در شرق اردوگاه جبالیا واقع در شمال نوار غزه بمباران و ۱۸ فلسطینی را مجروح کرد. از سوی دیگر آویخای ادعوی، سخنگوی ارتش اسرائیل با انتشار بیانیه‌ای در حساب کاربری خود در ایکس نوشت که نیروهای تیپ ۹۸ عملیات تهاجمی را در منطقه خان یونس واقع در جنوب نوار غزه آغاز کرده است. وی همچنین مدعی شد که ۳۰ هدف متعلق به جنبش حماس در خان یونس را از جمله انبارهای تسلیحات را هدف قرار داده‌اند. المیادین هم اعلام کرد که تعدادی از خودروهای نظامی و بولدورهای اسرائیل وارد غرب اردوگاه النصیرات شدند و عملیات نظامی به انضمام تخریب برخی از منازل و باقی‌مانده ساختمان‌ها را آغاز کرده‌اند. منابع محلی همچنین گزارش دادند که در حملات ارتش اسرائیل که جمعه به مرکز و جنوب نوار غزه انجام شده ۸ نفر کشته شدند.

از سوی دیگر، وزارت بهداشت لبنان هم از حمله پهبادی اسرائیل به منطقه النافوره واقع در جنوب این کشور خبر داد و اعلام کرد که در نتیجه این تهاجم دو شهروند لبنانی کشته شده‌اند. در این راستا ارتش اسرائیل، عصر پنجشنبه یک حمله هوایی را علیه سوریه از شمال لبنان صورت داد که به گفته المیادین برخی پایگاه‌های نظامی در منطقه الوسطی (مرکزی) سوریه مورد حمله قرار گرفته و در نتیجه آن چهار نظامی سوری هم مجروح شده‌اند. این وقایع که تنها گوشه‌ای از اقدامات ارتش اسرائیل در غزه و پیرامون آن (لبنان و سوریه) به حساب می‌آید به خوبی نشان می‌دهد که تل‌آویو همچنان اعتقاد دارد که باید ضربات متعدد نظامی به جبهه جنوب و شمال را ادامه دهد و این در حالی است که وزارت بهداشت فلسطین اعلام کرده از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا کنون که جنگ در غزه جریان دارد ۳۹ هزار و ۷۰۰ نفر کشته و نزدیک به ۹۲ هزار نفر مجروح شده‌اند.

پیامی که از این اقدامات مخابره می‌شود بدون شک دو مخاطب دارد. مخاطب اول حماس خواهد بود و اسرائیل با اجرای عملیات‌ها و ترورهای خود به دنبال آن است که بگوید این روند تا زمان حصول نتیجه مدنظر تل‌آویو ادامه خواهد داشت. اما مخاطبان دوم این تحرکات را باید جامعه ملل دانست. اینکه برخی از کشورهای عربی صرفاً در حال تماشای این وضعیت هستند و ایالات متحده به عنوان بزرگ‌ترین حامی اسرائیل هم در حال ایجاد یک‌سری از تحرکات دیپلماتیک و نظامی در سطح منطقه‌ای است، نشان می‌دهد که غرب بیش از این نمی‌تواند هزینه‌های مخرب اقدامات نتانیاهو را آن هم در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا پرداخت کند. به همین جهت ما شاهد آن هستیم که تحرکات ابعادی همچنین همدارنده تمامی طرف‌های درگیر در پرونده غزه در حال شدت گرفتن است.



به عنوان نمونه فیصل مقداد، وزیر امور خارجه سوریه در جریان گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی «بلاروس-۱» صراحتاً در مورد وضعیت خاورمیانه هشدار داد و گفت که «اوضاع بسیار پر تنش و متشنج است و هر سناریویی احتمال دارد رخ دهد اما تمامی گزینه‌ها روی میز قرار دارد و ما باید برای همه موارد آماده باشیم». او در بخشی از سخنان خود تصریح کرد «جنگنده‌هایی که آمریکا برای حمله به سوریه به اسرائیل تحویل می‌دهد، غیرنظامیان را نیز هدف قرار می‌دهد و بر همین اساس نظاره‌گر حملات جنگنده‌های اسرائیل به منطقه و سایر مناطق تحت حمایت کامل آمریکا و کشورهای غربی هستیم».

تلاش برای خاتمه جنگ؟

آنچه در این راستا و در فضایی که میلیتاریسم اسرائیل در حال جولان دادن در منطقه است به عنوان یک اقدام بسیار مهم قلمداد می‌شود، گام‌هایی است که برای احیای مذاکرات آتش‌بس غزه برداشته شده تا در نهایت شاید بتوان جنگ را خاتمه بخشید. در این خصوص آمریکا، قطر و مصر بامداد جمعه با صدور بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند که توافق برای توقف درگیری‌ها در غزه و آزادی اسرا تکمیل شده و باید بدون تاخیری نهایی شود. در این بیانیه همچنین آمده است که «پس از ماه‌ها فعالیت، میانجیگران آماده هستند تا پیشنهاد نهایی را به حماس و اسرائیل ارائه کنند و تنها جزئیات توافق باقی مانده که باید مورد تحلیل و تبادل نظر بیشتر قرار بگیرد». سه کشور مذکور از حماس و اسرائیل خواسته‌اند تا مذاکرات را در دوحه و یا قاهره با سر بگیرند تا در یک هفته بر اساس جزئیاتی که تاکنون رسانه‌ای شده، طرف‌ها به سمت توافقی سه مرحله‌ای که با آزادی شماری از اسرای اسرائیلی از غزه و عقب‌نشینی نظامیان اسرائیل از بخش‌هایی از این منطقه آغاز می‌شود، پیش بروند.

پس از انتشار این بیانیه، دفتر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل هم به این اقدام آمریکا، قطر و مصر واکنش نشان داد و با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که تل‌آویو مذاکره‌کنندگانی را برای شرکت در نشست ۱۵ آگوست به محل نهایی مذاکرات اعزام خواهد کرد. در این بیانیه آمده است که «هدف از اعزام تیم مذاکره‌کننده اسرائیل، نهایی کردن جزئیات و اجرای توافق

چارچوبی و اصلی خواهد بود». این بیانیه و واکنش نتانیاهو شاید برای بسیاری از رسانه‌ها و تحلیلگران مسائل سیاسی منطقه به معنای آن باشد که احتمالاً در آینده نه چندان دور آتش‌بس در غزه برقرار خواهد شد و تبادل اسرا هم عملیاتی خواهد شد اما مساله اصلی این است که حتی روزنامه‌های اسرائیل هم به اقدامات نتانیاهو و تیم وی در مورد توافق بر سر هرگونه آتش‌بس بدین هستند و او را یک عامل برهم زننده می‌دانند؛ به گونه‌ای که روزنامه معاریو در گزارش اخیر خود نوشته: «مشکل این است که نتانیاهو مدت‌هاست دیگر بر اوضاع کنترل ندارد و از یک طرف آلت دست (ایتامار بن گور) وزیر امنیت ملی و «بتسلیل اسموتیچ» وزیر دارایی خود و از طرف دیگر همسر و پسرش شده و دیگر نمی‌دانیم که باید از کدام طرف بیشتر ترسیم».

منظور از این عبارت به صورت مشخص این است که نتانیاهو همچنان تحت تاثیر تیم راست افراطی است که برای تشکیل کابینه با آنها ائتلاف سیاسی تشکیل داده و بر همین اساس است که او هیچ اقدامی را بدون هماهنگی با آنها انجام نمی‌دهد که مبدا کابینه از درون متلاشی شود. این سطح از رادیکالیسم به جایی رسیده که اسموتیچ خواستار رد توافقنامه جدید آتش‌بسی شده که آمریکا، مصر و قطر آن را صادر کرده بودند. او صراحتاً اعلام کرده است که «نهایت در دام کشورهای میانجی بیفتمت که می‌خواهند، توافقنامه تسلیم شدن را بر ما تحمیل کنند». نکته نهایی این است که بیانیه آمریکا، مصر و قطر عملاً به این مساله اشاره دارد که توافق مورد نظر آنها بر اساس اصولی است که جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در ۳۱ ماه مه ۲۰۲۴ (۱۱ خرداد) بیان و قطعنامه ۲۷۳۵ شورای امنیت سازمان ملل آن را تأیید کرده است و به نوعی باید این اقدام را تکمیل‌کننده همان مساله دانست. این بیانیه در حالی به توافق مذکور اشاره می‌کند که از یک سو نتانیاهو بیش از حد برای ایالات متحده هزینه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به بار آورده و از جهتی دیگر هم انتقاد به دموکرات‌ها با مرکزیت دولت جو بایدن در قبال پرونده فلسطین آن هم در آستانه انتخاباتی که معاون رئیس‌جمهوری فعلی آمریکا در آن نامزد شده در حال افزایش است. حال باید دید که آیا حمایت اروپا و کشورهای منطقه از این طرح آمریکا، قطر و مصر می‌تواند خروجی مثبت داشته باشد یا اینکه باز هم باید منتظر فرود بمب‌ها بر غزه باشیم!

شاهنامه وحدت

ترجمه هشت جستان درباره فردوسی و شاهنامه از دیک دیویس



دریچه: تحلیل عادات

چون که غرض آمد

ریشه بی‌انصافی و قضاوت غلط



حسن محرابی پژوهشگر

بی‌انصافی یا قضاوت نادرست در نتیجه تمایل افراد به پردازش اطلاعات با جست‌وجو یا تفسیر اطلاعاتی که به باورهای موجود آن‌ها سازگار است، شکل می‌گیرد. این رویکرد مغرضانه، یک نوع تصمیم‌گیری عمدتاً غیرعمدی است و منجر به نادیده گرفتن اطلاعاتی می‌شود که با باورهای افراد مطابقت ندارد. این باورها می‌توانند شامل انتظارات یک فرد در یک موقعیت خاص و پیش‌بینی‌های او در مورد یک نتیجه خاص باشد. به بیان روشن‌تر، افراد به‌خصوص زمانی که موضوعی بسیار مهم یا مرتبط با خود آن‌هاست، احتمالاً اطلاعات را برای حمایت از باورهای خود پردازش می‌کنند. به همین جهت چنین رفتاری، نمونه‌ای از این است که چگونه انسان‌ها گاهی اطلاعات را به شیوه‌ای غیرمنطقی و مغرضانه پردازش کرده و به قضاوت نادرست می‌رسند.

نحوه شناخت و درک یک شخص از جهان اغلب تحت تأثیر عواملی است که برای آن شخص ناشناخته است. فیلسوفان خاطر نشان می‌کنند که مردم پس از باور به یک نظر، در مورد یک موضوع، در پردازش اطلاعات به شیوه‌ای منطقی و بی‌طرفانه با مشکل مواجه می‌شوند. درحالی که انسان‌ها اگر از نظر عاطفی (تمایل جانبدارانه) از موضوع فاصله داشته باشند، بهتر می‌توانند اطلاعات را به‌طور منطقی پردازش کنند و به چندین دیدگاه وزن یکسانی بدهند، تا غیرمنصفانه و مغرضانه تصمیم نگیرند.

اما چرا این وضعیت پیش می‌آید؟ واقعیت آن است که انسان‌ها بی‌وقفه با اطلاعات بمباران می‌شوند و احتمالاً نمی‌توانند برای پردازش دقیق هر قسمت از اطلاعات وقت بگذارند تا یک نتیجه‌گیری بی‌طرفانه ایجاد کنند. بنابراین تصمیم‌گیری انسانی و پردازش اطلاعات در چنین حالتی اغلب مغرضانه است، زیرا افراد محدود به تفسیر اطلاعات از دیدگاه خود هستند اما راه درست آن است که مردم اطلاعات را به سرعت پردازش کنند تا از آسیب احتمالی محافظت کنند. از دیگر سو انسان‌ها غالباً تطبیق‌پذیر بوده‌اند، به این معنا که بر رفتارهای غریزی و خودکار تکیه می‌کنند، زیرا آن‌ها را از خطر دور نگه می‌دارد. یکی دیگر از نکات در مورد انسان‌ها، محافظت از عزت نفس‌شان است. مردم دوست دارند نسبت به خود احساس خوبی داشته باشند و کشف این که باوری که برای‌شان ارزش زیادی قائل هستند نادرست است، باعث می‌شود نسبت به خود احساس بدی داشته باشند. بنابراین، افراد به دنبال اطلاعاتی خواهند بود که از باورهای موجود آن‌ها پشتیبانی کند. یکی دیگر از انگیزه‌های نزدیک به آن، میل به درست بودن است. مردم می‌خواهند احساس کنند باهوش هستند اما اطلاعاتی که نشان می‌دهد اشتباه می‌کنند یا تصمیم ضعیفی گرفته‌اند، بیان‌گر آن است که آن‌ها فاقد هوش لازم هستند، بنابراین احساس غیرمنصفانه، آن‌ها را تشویق می‌کند این اطلاعات را نادیده بگیرند. البته چنین نیست که مردم قادر به ارائه استدلال‌های مخالف با اعتقادات‌شان نباشند، بلکه انگیزه‌های برای انجام این کار ندارند. ضمن آن که افراد تمایل دارند به دنبال شواهد مثبتی باشند که صحت یک فرضیه را تأیید کند نه اطلاعاتی که نادرست بودن دیدگاه‌شان را ثابت کند. در مجموع آگاهی از گرفتار شدن در وضعیت قضاوت غیرمنصفانه بسیار مهم است، زیرا ممکن است افراد را به شدت به باورهای نادرست بچسباند، یا به اطلاعاتی که از باورهای آن‌ها حمایت می‌کند، بیشتر از آنچه شواهد آن را تضمین می‌کند اهمیت دهند. مردم ممکن است بیش از حد به باورهای خود اعتماد داشته باشند، زیرا شواهدی را برای حمایت از آن‌ها جمع‌آوری کرده‌اند، درحالی که در واقع آن‌ها بسیاری از شواهد موجود در مورد رد باورهای خود را نادیده گرفته‌اند. شواهدی که اگر در نظر می‌گرفتند، آنان را به زیر سوال بردن باورهای خود سوق می‌داد. این عوامل ممکن است منجر به تصمیم‌گیری مخاطره‌آمیز شود و افراد را به نادیده گرفتن علائم هشداردهنده و توجه به سایر اطلاعات مهم سوق دهد.

شاهنامه در میان آثار کلاسیک ادبیات فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد. شاهنامه از جهات گوناگون با همه آثار دیگر ادبی ما تفاوت دارد، زیرا اثری صرفاً ادبی نیست. این کتاب علاوه بر این که سرسلسله ادبیات حماسی ماست و تأثیر ادبی آن تا امروز تداوم یافته، نخستین کتاب بزرگی است که در دوران پس از اسلام در ایران پدید آمده است. شاهنامه سرگذشت اسطوره‌ای و تاریخی ملتی کهن است. فردوسی در مقطعی به سرودن آن پرداخت که مناسب‌ترین زمان برای این کار بود: پس از دو قرن خاموشی پریها و سپه‌دو قرن کشتن و کوشش برای استقرار صورت جدیدی از تمدن کهن ایرانی، ضرورت داشت که پیش از آن که گذشته اساطیری و باستانی ایران کهن به کلی فراموش شود یا به خاطرهای محو تغلیل یابد، کاری صورت گیرد. شاهنامه گذشته از جنبه‌های ادبی، زبانی و هنری از نظر تاریخی و اساطیری پیونددهنده دو بخش از هم‌گسیخته تاریخ و فرهنگ و مدنیت ایران است. تصویری که از پیوستگی و تداوم تاریخ چند هزار ساله ایران داریم، یقیناً بدون شاهنامه هرگز نمی‌توانست وجود داشته باشد. انتشارات نیلوفر به تازگی کتاب «هشت جستان درباره فردوسی و شاهنامه» نوشته دیک دیویس، شاعر و پژوهشگر نامدار انگلیسی را با ترجمه مسعود جعفری‌جزی منتشر کرده است. این کتاب مجموعه‌ای از هشت مقاله تحقیقی پیرامون شاهنامه و ابوالقاسم فردوسی است. مسعود جعفری‌جزی در مقدمه مترجم درباره علت ترجمه این کتاب می‌نویسد: «علاوه بر اهمیت شاهنامه و هنر فردوسی، طبعاً دل‌بستگی‌های شخصی مترجم نیز در فراهم آمدن این کتاب نقش داشته است... همچنین در اوضاع و احوالی که تحقیق درست و پژوهش بایسته، به دلایل و علل گوناگون با دشواری‌هایی روبه‌رو است ترجمه آثار تحقیقی این‌حسین را دارد که ما را با نگاه‌های تازه آشنا می‌کند و راه‌های نوی را به ما نشان می‌دهد.»

انگلیسی ایران دوست

دیک دیویس، سال ۱۹۴۵ در پرستون انگلستان از پدری انگلیسی و مادری ایتالیایی به دنیا آمد. ابتدا در رشته ادبیات انگلیسی دانشگاه کمبریج تا مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کرد و در همان دانشگاه با مقدمات زبان فارسی نیز آشنا شد. سپس در رشته ادبیات فارسی به تحصیل پرداخت و از دانشگاه منچستر در همین رشته دکترا گرفت. پس از فراغت از تحصیل به مناطق مختلف سفر کرد و در یونان و ایتالیا به تدریس پرداخت. دیویس سال ۱۹۷۰ به ایران آمد و تا زمان انقلاب به مدت ۸ سال در دانشگاه تهران به تدریس ادبیات انگلیسی پرداخت و زبان فارسی خود را تکمیل کرد. او در آغاز ورود به ایران قصد داشت که صرفاً دو سال در ایران بماند اما در همان اوایل دچار بیماری شد و او را به بیمارستان بردند. در آن‌جا دل‌باخته پرستاری شد که از او مراقبت می‌کرد و سال ۱۹۷۴ با این پرستار که افخم دربندی نام داشت ازدواج کرد و دو دختر به نام‌های مریم و مهری حاصل این ازدواج بوده‌اند. به این ترتیب پیوند او با ایران و فرهنگ ایرانی محکم‌تر شد. دیک دیویس و خانواده ایرانی‌اش از سال ۱۹۷۸ ابتدا در انگلستان و سپس در آمریکا ساکن شدند. او در دانشگاه‌های مختلف در انگلستان و آمریکا تدریس کرد و سرانجام کرسی استادی ادبیات فارسی دانشگاه اوهایو به او واگذار شد. دیک دیویس، شاعری نامدار است و تاکنون بیش از ۸ مجموعه شعر به زبان انگلیسی از او منتشر شده است. او تاکنون بیش از ۱۵۰ مقاله نقد و معرفی کتاب نوشته است. کتاب‌های منتشر شده او اعم از ترجمه و تألیف بالغ بر ۳۰ عنوان است. دیویس علاوه بر آثار تحقیقی گوناگون، درباره شاهنامه و دیگر آثار ادبیات فارسی، برخی از مهم‌ترین آثار ادبیات فارسی چون منطق‌الطیر، شاهنامه، لیلی و مجنون، ویس و

رامین (ترجمه منظوم)، رمان دلی جان ناپلئون و... را به بهترین وجه به انگلیسی ترجمه کرده است. در حقیقت دیک دیویس نماینده و معرف فرهنگ ایرانی در جهان انگلیسی زبان است.

۸ جستان دیویس

دیدگاه‌های بدیع دیک دیویس موافقان و مخالفانی دارد اما همه صاحب‌نظران در باب تازگی، اصالت و اهمیت پژوهش‌های او اتفاق نظر دارند. جستان‌هایی که در کتاب «هشت جستان درباره فردوسی و شاهنامه» از دیک دیویس به فارسی ترجمه شده عبارتند از:

۱. **افزودها و ملحقات شاهنامه؛ گونه‌شناسی مقدماتی:** مؤلف در این مقاله انواع افزودها و ملحقات و تغییرات پدید آمده در متن شاهنامه را به پنج دسته طبقه‌بندی کرده و برای هر کدام نمونه‌هایی آورده است. از نظر او این افزودها و تغییرات یا با انگیزه‌های عقیدتی و ایدئولوژیک پدید آمده‌اند، یا به دلیل کم‌سوادگی کاتب یا نگرانی کاتب از دشوار بودن فهم متن برای مخاطبان یا برای افزودن بر تأثیر بلاغی و زیباشناختی متن و ایجاد انسجام در ساختار آن یا تکمیل داستان‌های فرعی و شاخ‌وبرگ دادن به متن.



هشت جستان درباره فردوسی و شاهنامه
دیک دیویس / ترجمه مسعود جعفری جزی
انتشارات نیلوفر / ۲۷۴ صفحه / ۶۶۵ هزار تومان

۲. **تأملی در باب منابع فردوسی:** دیک دیویس در این مقاله بحث‌انگیز به این احتمال توجه کرده است که شاید اشاره فردوسی به برخی منابع مکتوب در اقتباس داستان‌های شاهنامه در حقیقت شکردهی بلاغی بوده است و نه این که لزوماً به منابع معین اشاره داشته باشد.

۳. **دین در شاهنامه:** مؤلف در این جستان نکته‌ای بدیع را مطرح می‌کند که هر چند بسیار بدیهی به نظر می‌آید تاکنون به آن به درستی توجه نشده بود. نکته اصلی مقاله این است که برای فردوسی پیوستگی تاریخی ایران و فرهنگ و مدنیت آن اهمیت داشته است و به منظور برجسته کردن این ویژگی، تمایزها و گسست‌های ناشی از تفاوت ادیان مختلف در دل این فرهنگ را حتی‌الامکان کم‌اهمیت جلوه داده است.

۴. **زنان در شاهنامه:** موضوع اصلی این مقاله ترسیم تصویری کلی از نمونه‌های گوناگون شخصیت زن در شاهنامه است. مؤلف به تفاوت بارز زنان بخش اساطیری و بخش تاریخی نیز پرداخته است و در مجموع تصویری تازه از زن و نقش و جایگاه او در شاهنامه ترسیم کرده است.

۵. **رستم و آیین زردشتی:** مؤلف در این مقاله با اتکا به متون تاریخی و شواهد دیگر نشان می‌دهد رستم پیرو آیین زردشتی نبوده و به آیین‌های کهن ما قبل زردشتی اعتقاد داشته است. هر چند فردوسی ماهرانه سعی کرده است این نکته را کم‌رنگ جلوه دهد.

۶. **رستم دستان:** نویسنده بر آن است که واژه «دستان» در اصل بر شخصیت رستم دلالت داشته است. او با کنار هم گذاشتن شواهد و قراین گوناگون به این نتیجه می‌رسد که در شخصیت رستم مایه‌هایی از قهرمان نیرنگ‌باز به روشنی دیده می‌شود.

۷. **روایت‌های طرد شده و بحران‌های گذار در شاهنامه:** این مقاله در حقیقت همان نکته‌ای را که در جستان «دین در شاهنامه» مطرح شده است در بحران‌ها و گسست‌های طرح شده در سراسر شاهنامه نشان می‌دهد و دغدغه اصلی فردوسی عرضه روایتی یکپارچه از وحدت و پیوستگی تاریخ و فرهنگ ایران است و از همین رو به بحران‌ها، گسست‌ها و مسائل اختلاف‌آفرین عامده‌ها بی‌اعتنایی می‌کند.

۸. **ایران و نایران:** مؤلف در این جستان به دشواری‌ها و ابهام‌هایی می‌پردازد که مفهوم ایران در شاهنامه با آن‌ها همراه است. شباهت‌ها و تفاوت‌های مفهوم ایران در بخش اساطیری و تاریخی، از جمله مباحثی است که به آن توجه شده است.

آگهی نوبت اول ارزیابی کیفی برای مناقصه عمومی

دو مرحله‌ای (۱۴۲۹/۰۳/۹۵۹)

شناسه آگهی: ۱۷۶۴۵۰۷

ارزیابی کیفی تجدید مناقصه طراحی، ساخت، نصب و راه اندازی مخزن دو جداره کراپوزنیک به شماره تقاضای SE-۳۱۳۳۸۳۳۰۰۱-PB شرکت پالایش گاز بیدبلند در سال ۱۴۰۳

مجوز درخواست درج آگهی با شماره ۵۳/۱۷۷/۰۹۳ مندرج در سایت ملی مناقصات

شرکت پالایش گاز بیدبلند در نظر دارد مناقصه ی فوق را بر اساس مشخصات و شرایط کلی مندرج در فراخوان شماره (۲۰۰۳۰۹۳۲۰۲۰۰۰۳۶) در سامانه ستاد ایران (setadiran.ir) به شرکت واجد شرایط واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکات از طریق سامانه ستاد ایران انجام خواهد شد. ضمناً موارد و مواعید زمانی و مکانی اعلامی در جدول زیر قطعی نبوده، تغییرات و یا اصلاحات لازم از طریق سامانه ی ستاد ایران اعلام می گردد.

نام و نشانی مناقصه گذار	۱
شرکت پالایش گاز بیدبلند «استان خوزستان، کیلومتر ۳۳ جاده بهبهان - رامهرمز، پالایشگاه گاز بیدبلند	۱
شرح خدمات	۲
تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ستاد ایران	۳
آخرین مهلت دریافت اسناد	۴
آخرین مهلت ارسال پاسخ استعلام کیفی و ارائه پیشنهاد	۵
سایر توضیحات	۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۲۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۲۰

روابط عمومی شرکت پالایش گاز بیدبلند

ممنوع‌الکارها روی پرده

فیلم‌هایی با بازی مانی حقیقی و فاطمه معتمدآریا در حال اکران است



روزی روزگاری آبادان



ملاقات با جادوگر

برای مخاطب عام ساخته شده باشد و احتمالاً به زودی به شبکه نمایش خانگی خواهد آمد.

مهران مدیری در ساعت ۶ صبح

مهران مدیری که به تازگی جدیدترین ساخته‌اش را راهی اکران کرده، سال گذشته نقشی کوتاه در فیلم «تابستان همان سال» محمود کلاری داشت که در نوبت اکران قرار دارد. او سه سال قبل در فیلم «خان‌کشی» مسعود کیمیایی نیز بازی کرد اما آن فیلم هم به اکران سینمایی نرسید. «ساعت ۶ صبح» به کارگردانی و با بازی خودش این روزها روی پرده است که فروش خوبی ندارد و در رتبه ۳ جدول با فروش بیش از ۵ میلیاردی قرار گرفته است. با اینکه اکران افتتاحیه فیلم متفاوت و با حضور تعداد زیادی از چهره‌ها برگزار شد اما این اکران هم کمکی به فروش فیلم نکرد. جالب اینجاست که بیلبوردهای سریال تازه مدیری در شبکه خانگی بیش از فیلمش است که در سینماها به نمایش درآمدند.

معتمدآریا و تابنده در روزی روزگاری آبادان

در بین فیلم‌های جدید، دو بازیگر حرفه‌ای دیگر هم هستند که «روزی روزگاری آبادان» نشان بی‌سروصدا اکران می‌شود. این فیلم سال ۱۳۹۹ جلو دوربین رفت و همان سال هم در جشنواره فجر به نمایش گذاشته شد. فاطمه معتمدآریا و محسن تابنده از بازیگران اصلی اولین تجربه کارگردانی حمیدرضا آذرنگ هستند که مدتی است به نمایش عمومی درآمده است. آخرین فیلم اکران شده معتمدآریا «عامه‌پسند» بود که پس از پنج سال به نمایش درآمد و فروش موفقی در گیشه داشت و حالا در شبکه نمایش خانگی است و تابنده هم که این روزها با گروه سریال «پایتخت» در تدارک آغاز این پروژه است، «جنگ جهانی سوم» و «سه کام حبس» را در سال‌های اخیر روی پرده داشت.

خمسه بعد از مدت‌ها فیلمی را روی پرده دارند. مانی حقیقی که سال گذشته فیلم «تفریق» خودش بدون اکران سینمایی ابتدا در فضای مجازی لو رفت و بعد هم به اکران آنلاین رسید، آخرین بار با فیلم «چرا گریه نمی‌کنی؟» نقشی در فیلم علیرضا معتمدی داشت و علیرضا خمسه نیز سال ۱۳۹۹ با فیلم «شهر گریه‌ها» در سینما بود. «چرا گریه نمی‌کنی؟» فیلمی نبود که بتواند با تماشاگر عام ارتباط خوبی برقرار کند و اکران موفقی نداشت. این فیلم خیلی زود از شبکه خانگی سر درآورد و همین حالا هم در پلتفرم‌ها در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

اکران فیلم با اعتراض کارگردان و تهیه‌کننده‌اش روبه‌رو شد و آنها معترض به تعداد سانس‌های نمایش‌دهنده فیلم‌شان بودند. امیرمهدی ژوله هم که در ماه‌های اخیر با شو «صدانو» در شبکه نمایش خانگی برنامه داشت بیش از پنج سال است که به عنوان بازیگر در سینما فیلم نداشته و حالا با «ملاقات با جادوگر» که نویسنده‌اش آن را هم خودش بر عهده داشته، در نقش «بن‌لادن» روی پرده سینماهاست. فیلم «شیشلیک» مهدویان به نویسنده‌اش امیرمهدی ژوله نیز همچنان در توقیف است. در «ملاقات با جادوگر» هستی مهدوی‌فر و نسیم ادبی نیز بازی کرده‌اند.

بنی‌آدم در آغوش درخت

دیگر فیلم جدید این روزها، «در آغوش درخت» است که با بازی مارال بنی‌آدم به اکران درآمده است. او که سال گذشته برای فیلم «پروین» سیمیرغ جشنواره فجر را گرفت، پیش‌تر در فیلم‌های «فروشنده» و «خشکسالی و دروغ» بازی کرده است. این بازیگر گزیده‌کار است و در هر فیلمی و سریالی حاضر نمی‌شود. او تنها بازیگر شناخته شده «در آغوش درخت» است. از همین حالا می‌توان پیش‌بینی کرد این فیلم توفیق چندانی در گیشه نداشته باشد. چراکه فیلمی نیست که

در روزهایی که چهره برخی بازیگران در فیلم‌ها و سریال‌ها پرتکرار شده، فیلم‌هایی در حال اکران هستند که تصویر برخی بازیگران بعد از مدت‌ها روی پرده تفریحی نقش می‌بندد. این در حالی است که با غلبه فیلم‌های کم‌دیگر گیشه سینماها چهره‌های تکراری مدام روی پرده حضور دارند و تصویر آنها از روی سر در سینماها حذف نمی‌شود. بازیگرانی مانند پژمان جمشیدی، سام درخشانی، بهرام افشاری و... با بازی در فیلم‌های کم‌دیگر مدام روی پرده هستند و حضور و چهره‌شان دیگر برای تماشاگران تکراری شده است.

هرچند آثاری که این دسته از بازیگران در آن حضور دارند، مخاطب خود را دارد و جزو پرفروش‌های سینما به حساب می‌آید اما تعدد حضور آنها در فیلم‌های سینمایی به‌خصوص آثار کم‌دیگر به خوبی به چشم می‌آید و این اتفاق باعث تکرار تصویر آنها بر سر در سینماها و تبلیغات فیلم‌ها شده است. در چند سال گذشته، گیشه سینماها در قبضه فیلم‌های کم‌دیگر بود و صرفاً حلقه‌های محدود از بازیگران در فیلم‌ها دیده می‌شدند؛ بنگاهی به آثار مختلف تصویری در سینما و سریال‌ها، نشان از تکراری شدن چهره بازیگرانی دارد که شاید دیگر به راحتی نتوان آنها را عاملی کلیدی برای جذب مخاطب دانست. با این حال از مرداد ماه فیلم‌هایی بر پرده سینماها اکران شده‌اند که می‌توان در برخی از آنها چهره‌هایی تازه دید و از (۱۷ مرداد) هم اکران دو فیلم در سینما آغاز شده که بعضی بازیگرانش مدت‌هاست روی پرده سینما نبودند. شاید بتوان حضور همزمان این تعداد از بازیگران ممنوع‌الکار را روی پرده به فال نیک گرفت و به امید روزهایی بود که همه این افراد دوباره فعالیت در سینما را از سر بگیرند.

مانی حقیقی در ملاقات با جادوگر

«ملاقات با جادوگر» که پنج سال از ساخت آن می‌گذرد، در حالی سرانجام به اکران رسیده که مانی حقیقی و علیرضا

دیدگاه: یادداشت سینمایی

کوچک زیباست

علیه تئوری حجم در رویدادهای فرهنگی و هنری



مهرزاد دانش
منتقد



در دوران تحصیل دانشگاهی چند عنوان درسی را با آقای دکتر محمود سریع‌القلم گذراندم. ایشان برای توصیف تحقیق‌های برخی دانشجویان که تلاش داشتند متنش را به هر نحو که شده طولانی و حجیم کنند یا در امتحانات، پاسخ‌های طولی برای سوالاتی که به طور عادی شاید بیش از چند سطر جواب اقتضای‌شان نبود، می‌دادند با مزاح از عبارت «تئوری حجم» استفاده می‌کردند و توصیه‌شان این بود که حجیم و عریض‌وطول بودن متن لزوماً نشانه کامل و درست‌تر بودن آن نیست و اغلب هم دلالتی وارونه دارد.

این مقدمه ذکر شد تا در تناسب با آن به یکی از پدیده‌های تقریباً ثابت مدیریتی در کشورمان اشاره شود. یکی از علاقه‌های کم‌وبیش ثابت مدیران، به خصوص مدیران فرهنگی در هر دولتی در ایران، برگزاری رویدادها و نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها و مراسم «بزرگ و باشکوه» است و اصلاً عبارت فاخر هم که در ادبیات مدیریتی جایگاه ویژه‌ای دارد، گویی از همین اشتیاق وافر می‌آید. آنها به حجم از نوع بزرگش، توجهی اساسی دارند و از این رو فاخرانه بودن یک مراسم را به حضور گسترده جمعیت، تعدد زیاد برنامه‌ها، انعکاس پرشمار خبری، شلوغ بودن میزانشن و چیدمان و ترکیب روی سن، برقراری صف‌های عریض‌وطول مدیران روی سن برای دادن یک جایزه به فرد برنده و از این قبیل می‌دانند. حتی اگر مدیری هم اعتقادی به این رویه نداشته باشد، جو جاری در سازمان بین کارکنان و مخاطبان و پیشینیان، او را ناخواسته به این وادی سوق می‌دهد.

مدیران ما نوعاً به اصل «کوچک زیباست» اعتقادی ندارند. به اغلب جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های سینمایی یا فرهنگی بنگرید! جدا از تعداد پرشمارشان که بیشترشان فاقد کارکرد خاصی جز بلعیدن بودجه و پر کردن جیب مدیران‌شان هستند، شلوغی و ازدحام چه در ساختارهای اداری و چه در حضور منابع انسانی و چه در شلختگی حضور حاضران بی‌سداد می‌کند. اما این تقص‌ها از دید مدیران، یک‌جور مزیت است که در تهیه بولتن‌ها و خبرنامه‌های کاغذی و مجازی (که خود اینها هم قصه‌هایی جداگانه در این تئوری حجم دارند) سوره‌هایی طلایی محسوب می‌شوند.

به نظرم اولین کاری که مدیران جدید باید در نظر داشته باشند، اصل کوچک‌سازی است. مسلماً در بدو ورود مدیران جدید، بسیاری از ذی‌نفعان گنده بودن برنامه‌ها و رویدادها، دورشان را خواهند گرفت و از مزایای فاخر و باشکوه بودن این مراسم خواهند گفت تا مبادا ذره‌ای به سودهای پرشمار می‌کند که هر دوره به جیب‌شان می‌ریزد، خدشه وارد نشود. اعتبار هر رویدادی به کیفیت و کارکرد منطقی آن است و نه ازدحام و زرق‌وبرق و سخنرانی‌های طولانی مقامات در افتتاحیه‌ها و اختتامیه‌ها و خودگویی و خودخندی‌های متظاهرانه و حضور لشکر سلم و تور مدیران روی سن برای لوح یادبود دادن به این و جایزه دادن به آن. در این شلوغی‌ها و گنده‌سازی‌ها، اولین قربانی، عنصر کیفیت است.

امیدوارم مدیران بعدی، روالی جدا از مناسبات جاری در دهه‌های اخیر برگزینند و بی‌رحمانه و قبیحی به دست اقدام به هرس جشنواره‌های زائد، نمایشگاه‌های بی‌فایده، رویدادهای پر هزینه و برنامه‌های کلیشه‌ای کنند و دست‌کم اعتبار حوزه فرهنگ و هنر را نه با شاخ‌وبرگ‌های اضافی و پرخرج و نمایشی که با تمرکز بر منافع ملی احیا کنند. نه تعداد بازدیدکنندگان از فلان نمایشگاه ملاک اعتبار آن است و نه پرشمار بودن بهمان جشنواره نشان از عظمت آن دارد. کوچک زیباست!

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شماره ۱۷/۱۴۰۳



شرکت برق منطقه ای باختر

دفتر روابط عمومی

نوبت دوم

شناسه آگهی ۱۷۶۴۹۶۷

شرکت سهامی برق منطقه ای باختر در نظر دارد نسبت به واگذاری پروژه زیر از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکتهای واجد صلاحیت دارای حداقل رتبه ۵ در رشته نیرو اقدام نماید:

- ۱- موضوع مناقصه: پایدار سازی خط ۴۰۰ کیلوولت رودبار-عباسپور
- ۲- مدت تحویل تجهیزات/ و انجام کار: ۱۲ ماه شمسی.
- ۳- محل تحویل تجهیزات و/انجام کار: خط ۴۰۰ کیلوولت رودبار-عباسپور
- ۴- مبلغ برآورد: ۶۰۵۲۳۳۷۴۶۴/-
- ۵- سپرده شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ/ ۳۰۲۶۱۶۶۸۷۳ ریال بصورت یکی از تضامین قابل قبول ذکر شده در فرآیند ارجاع کار، مطابق آئین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۳۳۴۰۲/ت/۵۰۶۵۹/ه مورخ ۹۴/۹/۲۲ هیئت وزیران.
- ۶- محل تحویل پاکت تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار فوق به نشانی اراک- میدان امام خمینی (ره)-بزرگراه امام علی(ع) - جنب پل راه آهن - دبیرخانه شرکت برق منطقه ای باختر.
- ۷-اطلاعات تماس سامانه تدارکات الکترونیکی دولت جهت انجام مراحل عضویت در سامانه به شماره تلفن: ۰۸۶-۳۳۲۴۵۲۴۸ و مرکز راهبری و پشتیبانی به شماره تلفن: ۱۴۵۶

- کلیه شرکتهای واجد شرایط متقاضی شرکت در مناقصه فوق می توانند جهت اخذ اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۳/۵/۱۷ لغایت ۱۴۰۳/۵/۲۳ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند، لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه، مراحل ثبت نام در سامانه و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی راجعت دریافت اسناد و شرکت در مناقصه محقق سازند. مهلت بارگذاری پیشنهادات تا ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۶/۳ به نشانی فوق می باشد، ضمناً" پیشنهادات بارگذاری شده در ساعت ۰۸:۳۰ صبح روز دو شنبه مورخ ۱۴۰۳/۶/۵ در محل سالن شهید افسریان شرکت سهامی برق منطقه ای باختر به نشانی بالا به ترتیب قید شده در اسناد مناقصه بازگشایی می گردد، به پیشنهادات فاقد سپرده به مبلغ و صورت قید شده فوق الذکر، فاقد امضا، مشروط، مخدوش ترتیب اثر داده نخواهد شد و شرکت سهامی برق منطقه ای باختر در رد یا قبول پیشنهادات مختار می باشد.

- آگهی فوق در شبکه اطلاع رسانی شرکت توانیر به نشانی WWW.tavanir.org.ir قابل رویت می باشد.

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۵/۲۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۵/۱۷

شرکت سهامی برق منطقه ای باختر



دیدگاه: تحلیل اقتصادی

خروج سه هزار میلیارد تومان از بورس

چرا بازار سهام از فاز کاهش خارج نمی‌شود؟

مختاب شهریاری

خبرنگار سازندگی

واضح است که حال بازار سهام خوب نیست و افول بازار به مراحل خطرناکی رسیده است. هفته گذشته شاخص کل بازار با افت ۳/۱۷ درصدی طی چهار روز معاملاتی هفته قبل، به مرز ۲ میلیون واحد رسید. ضمن آنکه شاخص هم‌وزن با کاهش ۳/۵ درصدی، آخرین سنگر حمایتی خود را که در آبان ۱۴۰۲ ایجاد شده بود از دست داد.

با توجه به آنکه سرنوشت سیاست و اقتصاد کشور مبهم است و زمان پایان این ابهامات چندان مشخص نیست، نمی‌توان برای بازار کف جدید تعیین کرد. این موارد درحالی بیان می‌شود که سازمان بورس در اقدامی دیر هنگام پس از دو روز معاملاتی به محدود کردن دامنه نوسان روی آورد و دامنه بی‌اعتمادی را در بازار سهام گستراند. با این اوصاف و با فرض آنکه نمارهای بورسی برای ریزش بیشتر زمان زیادی را سپری می‌کنند، حمایت ۲ میلیون واحدی و حمایتی که در نیمه کانال یک میلیون و ۹۰۰ هزار واحدی قرار دارد، احتمالاً آخرین سنگر شاخص کل بورس برای حفظ اندک امید اهالی آن است. شاخص هم‌وزن نیز در سناریوی بدبینانه تا نیمه کانال ۵۰۰ هزار واحدی می‌تواند کف جدیدی را ایجاد کند. رشد ارزش معاملات اختیار فروش‌ها در بازار مشتقه سهام طی چند روز اخیر حکایت از آن دارد که نیمه سهام و بستن کف قیمتی آن در شرایط فعلی بازار اهمیت ویژه‌ای دارد. استفاده از اختیارات معامله فروش در کنار دارایی پایه می‌تواند ضرر سهام را محدود کرده و جلوی ریزش شدید قیمتی را بگیرد. چراکه به طور کلی با فرض ثبات این شرایط ابهام در بازار کف قیمتی سهام مشخص نخواهد بود.

خروج پول بیش از ۳ هزار میلیارد تومانی از زمان ترور هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس و ارزش معاملات زیر دو همت بازار سهام، شرایط بسیار وخیمی را برای بازار سرمایه ایجاد کرده است. هر چند بخشی از این پول به صندوق‌های طلا و ETFهای درآمد ثابت جذب شده، اما بازار سهام مورد بی‌توجهی عموم قرار گرفته است. هیجانات ناشی از افزایش ابهام در فضای سیاسی و اقتصادی داخلی کشور نیز، فضای بازار سرمایه را سردتر کرده است.

در هفته قبل، انتشار دو آمار مهم اقتصادی در جهان و یک حادثه عجیب در یکی از بورس‌های مهم دنیا، سبب شد تا بازارهای جهانی نیز دچار هرج‌ومرج شوند. در کنار کاهش قیمت نفت برنت، شاخص نیکی ژاپن با افت ۲۴ درصدی از ۱۱ جولای همراه شد که بخشی از آن با حمایت بانک مرکزی این کشور جبران شد. به نظر می‌رسد تعمیق رکود در بازارهای جهانی و عدم رشد قیمت کامودیتی‌های معامله در دنیا، بورس تهران نیز از این محل متضرر شده و انگیزه‌ای برای صنایع صادرات‌محور، وجود نداشته باشد. ضمن آنکه در داخل کشور نیز سرکوب دلار موثر بر شرکت‌های بورسی در کنار رکود جهانی، افت قابل توجه صادرات نیز رقم خورده است و تا زمانی که مسیبات انبساط سیاسی و اقتصادی در جهان فراهم نشود، بورس تهران به واسطه عدم رشد دلاری سود شرکت‌های کامودیتی‌محور آن، به دوران رونق باز نمی‌گردد.

برغم آنکه فضای ترس بر بازار حاکم شده است، اما برخی از آمارها در میان اهالی بازار دست‌به‌دست می‌شود، که در ظاهر امیدوارکننده به نظر می‌رسد. نسبت P/E بازار سرمایه به ۵/۸ واحد رسیده است که از آبان ۱۴۰۱، چنین رقمی برای این نسبت بازاری با اهمیت به ثبت نرسیده بود. همچنین ارزش دلاری بورس تهران بدون احتساب فرابورس و بازار پایه به ۱۰۰ میلیون دلار رسیده است که رقم عجیب و بی‌سابقه‌ای است. در ظاهر این آمارها، نشانه‌هایی از ارزندگی را به بازار مخاברה می‌کنند. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که با وجود رکود شدید در بازارهای جهانی و داخلی ممکن نیست این رقم، رشد قابل توجهی را تجربه کند. چراکه در صورتی که فضای ابهام بر بورس حاکم و تثبیت شود، قطعاً P/E پنج واحدی نیز برای بازار جذابیتی نخواهد داشت. از ابتدای سال، دلار نیما تنها رشد ۱۰ درصدی داشته است. در صورتی که رشد تورمی هزینه شرکت‌ها در صورت‌های مالی سه ماهه شرکت‌ها و مشکلات نقدینگی و تحمیل هزینه‌های مالی بر صنایع کاملاً مشهود بود. ضمن آنکه گزارش‌های ماهانه شرکت‌ها چندان امیدوارکننده نبود و احتمالاً درآمد تابستان نسبت به بهار افت قابل توجهی را به ثبت برساند و هزینه‌های سرسام‌آور شرکت‌ها، صنایع بورسی را از پای درآورد.

۶۲

هزار تومان

قیمت جدید دلار

دلار هفته گذشته با احتمال تشدید تنش‌ها در منطقه تا مرز ۶۲ هزار تومان را تجربه کرد. با این حال، اقدامات به موقع بانک مرکزی برای کنترل نرخ ارز دوباره کارساز شد و جلوی نوسان غیرمعتول قیمت دلار را گرفت. بازدهی این ارز از اول سال جاری نیز زیر ۳ درصد باقی‌مانده است. اگر اقدامات نظامی در منطقه به شعله‌ور شدن آتش ختم شود، احتمال آنکه دلار بتواند دوباره به سقف ایجاد شده در اواخر فروردین‌ماه برگردد، کم نیست.

۳۳

میلیون تومان

قیمت جدید سکه

سکه طلا درحالی کانال ۴۳ میلیون تومان را پس گرفت که آخرین بار در اواخر فروردین سال جاری در آن حضور داشت. پس از آرام شدن آتش جنگ ایران و اسرائیل در اواخر اولین ماه از سال جاری سکه طلا موفق شده بود تا زیر ۴۰ میلیون تومان را به خود ببیند. اما افزایش درگیری‌ها در منطقه و آمارهای ضعیف اقتصادی هم به رشد اونس جهانی طلا و هم به رشد قیمت دلار منجر شد.

شورش علیه سهمیه‌بندی

مردم بنگلادش به یک اقتصاددان اعتماد کردند

سعید خوش‌بین

خبرنگار سازندگی

وقایع بنگلادش نشان می‌دهد ایجاد نظام تبعیض‌آمیز برای استخدام‌های دولتی و سهمیه‌بندی مشاغل رسمی، می‌تواند آتش اعتراض‌های اجتماعی را شعله‌ور کند. برخی گروه‌های سیاسی به محض در دست گرفتن قدرت، مسیر ورود جوانان به مشاغل دولتی را مسدود می‌کنند و به جای آن ترجیح می‌دهند حامیان سیاسی و مالی خود را در مشاغل دولتی و پست‌های مدیریتی به کار گیرند. این رویه اگر برای مدت‌زمان طولانی ادامه پیدا کند و چرخش قدرت وجود نداشته باشد، عده زیادی از جوانان را ناامید می‌کند و ممکن است آنها را به اعتراض‌های اجتماعی و شورش علیه تبعیض، تشویق کند. وقایع بنگلادش گواهی بر این نظر اقتصاددانان است که حامی‌پروری و تبعیض در استخدام‌های دولتی می‌تواند به شورش‌های اجتماعی ختم شود. شغل‌های دولتی در بنگلادش به دلیل مزایای سخاوتمندانه‌ای که دارد، جوانان زیادی را متقاضی استخدام در دولت کرده است. در چنین بازاری هر سال تقریباً چهار هزار پست دولتی عرضه می‌شود اما بیش از ۳۰۰ هزار تقاضا برای آن وجود دارد. سیستم سهمیه‌بندی در بنگلادش ۵۶ درصد مشاغل را برای گروه‌های خاص کنار می‌گذارد و همین تبعیض آشکار، باعث شدت گرفتن اعتراض‌ها در این کشور شده است. ویدئویی که از تظاهرات اخیر بنگلادش گرفته شده، جوان معترضی را نشان می‌دهد که تی‌شرت مشکی پوشیده و در یک طرف خیابانی خالی ایستاده است. دستانش باز است و جوبی را در یک دستش گرفته است. آن طرف خیابان چند پلیس ایستاده‌اند که جلیقه و کلاه ضدگلوله بر تن دارند و سلاح‌های خود را به سمت او نشانه رفته‌اند. او تکان نمی‌خورد و جسارت پلیس‌ها را برای شلیک به خود به چالش می‌کشد. آنها شروع به شلیک می‌کنند. درحالی که بنگلادش درحال پشت سر گذاشتن یکی از بدترین حملات خشونت‌آمیز خود از زمان استقلال در سال ۱۹۷۱ است، این ویدئو نمادی از درماندگی و سرپیچی معترضان دانشجویی است که خواستار اصلاح سیستم «رفتر ترجیحی» برای مشاغل دولتی شده‌اند. تحلیل‌گران می‌گویند، این شورش نشان‌دهنده نارضایتی گسترده از توزیع نابرابر ثروت و فرصت در اقتصادی است که پس از سال‌ها رشد سریع شروع به نزول کرده است. «پی‌یر پراکاش»، مدیر برنامه آسیا در هیئت بین‌المللی بحران، گفت که اعتراض‌ها به دلیل «ناامیدی بسیاری از مردم در مورد نزول رشد اقتصادی و وجود نابرابری و فساد عظیم است. اعتراض به سهمیه فقط مظهر یک ناخوشی گسترده است که نه‌تنها در مورد سهمیه‌بندی، بلکه در مورد مسائل اقتصادی و سیاسی است».

در همین زمینه اکونومیست نوشت: عاملی که دانشجویان را به خیابان‌ها کشاند در ماه ژوئن و زمانی بود که دادگاه عالی به دولت دستور داد سهمیه ۳۰ درصدی خانواده‌های کهنه‌سربازان جنگ استقلال از پاکستان در سال ۱۹۷۱ در مشاغل دولتی را از سر گیرد. آن حکم تأثیر بسیار وحشتناکی بر اشتغال پسران جوان داشت. توجه داشته باشید که حزب حاکم عوامی لیگ (Awami League) در جنبش استقلال‌طلبی ریشه دارد و شیخ حسینیه از اینکه دختر شیخ مجیب‌الرحمان است، سود زیادی می‌برد. پدر او رهبر جنبش استقلال‌طلبی بود و تا زمان ترورش در سال ۱۹۷۵ رهبری کشور را بر عهده داشت.

حکم دادگاه بدان‌معناست که منافع سهمیه‌بندی مستقیماً به اعضای حزب عوامی لیگ می‌رسد. دودنجم از جوانان بنگلادش

هم‌اکنون بیکارند و این حکم خشم آنها را برمی‌انگیزاند. حدود ۴۰۰ هزار فارغ‌التحصیل دانشگاهی هر سال بر سر ۳۰۰ شغل دولتی در یک بازار کار آشفته با یکدیگر رقابت می‌کنند.

دولت حداقل این درایت را داشت که از دادگاه عالی بخواهد حکم جدیدی صادر کند. دادگاه در ۲۱ جولای میزان سهمیه را به پنج درصد کاهش داد، اما نارضایتی دانشجویان صرفاً به نظام سهمیه‌بندی محدود نمی‌شود. تقریباً هر فرصت شغلی پیش‌روی یک جوان تحصیل‌کرده بنگلادشی (از معلم دبستان گرفته تا پلیس و مدیریت) از مسیر حزب عوامی لیگ می‌گذرد. هم‌زمان لیگ چاترا که شاخه دانشجویی عوامی لیگ است در خیابان‌ها و دانشگاه‌ها در نقش نیروهای خودسر قاتل ظاهر می‌شوند. آنها در دانشگاه‌ها فقط سیاست‌های دانشجویی، بلکه توزیع اتاق‌های کمیاب خوابگاه برای دانشجویان کارشناسی را در دست دارند و به‌شدت منفرود دانشجویان هستند. درخواست انحلال این دسته هیچ‌گاه به جایی نمی‌رسد.

شدت بحران ماه گذشته بنگلادش در دوران حکومت شیخ حسینیه، نخست‌وزیر خودکامه کشور بی‌سابقه بود. بحران زمانی آغاز شد که دانشجویان در اعتراض به سهمیه‌بندی مشاغل دولتی به خیابان‌ها ریختند. آنها با پلیس و شاخه دانشجویی حزب حاکم درگیر شدند و کنترل خیابان‌های داکا، پایتخت بنگلادش را در دست گرفتند. آنها همچنین به تلویزیون دولتی حمله کردند و خشونت‌ها به نیمی از ۶۴ منطقه کشور کشیده شد. دولت در واکنش نیروهای مسلح را پیش فرستاد و از ۲۰ جولای ممنوعیت رفت‌وآمد را همراه با دستور تیر به اجرا گذاشت. دولت همچنین خدمات اینترنت و ارتباط کشور ۱۷۱ میلیون نفری را با جهان قطع کرد. این قطع ارتباط داخلی و خارجی تا ۲۳ جولای و بازگشت آرامش مقطعی ادامه یافت.

تا آن زمان اعتراضات شدید کمتر شد و نوعی آرامش به داکا بازگشت. ساکنان شهر هر روز دو (و سپس هفت) ساعت اجازه یافتند برای رفع نیازهای ضروری از خانه خارج شوند، اما اعتراضات چند روز قبل از آن ۲۰۰ معترض و نظاره‌گر را به کام مرگ کشاند و هزاران نفر را مجروح کرد. مردم بنگلادش خواستار پاسخگویی هستند اما شیخ حسینیه تمایلی به پاسخگویی ندارد. این بحران بزرگ‌ترین آزمون دوران ۱۵ساله حکومت بی‌وقفه او به‌شمار می‌رود.

مقامات دولت در جریان خشونت‌های روزهای اخیر حداقل ۶۱ هزار نفر را بازداشت کرده‌اند. بسیاری از آنها اعضای یک حزب مخالف هستند که شیخ حسینیه همیشه آن را برای تمام اتفاقات ناگوار کشور مقصر می‌داند. با وجود اینکه قطعی ارتباطات و ممنوعیت رفت‌وآمد اقتصاد را تهدید می‌کند، نخست‌وزیر صرفاً با عصبانیت خواستار انتقام‌جویی از «دست‌های جنایتکار پشت اعتراضات» است. رفتار انتقام‌جویانه و آشتی‌ناپذیر او در برابر بحران دیدگاه بخش بزرگی از جمعیت کشور نسبت به حکومت او و واقعیت‌ها را تغییر می‌دهد.

پرسش‌های مربوط به تداوم حکومت شیخ حسینیه نیز بی‌پاسخ می‌ماند. او در ۱۵ سال گذشته توسعه زیرساخت‌ها را سرعت بخشید اما با اتهام تقلب در انتخابات، تضعیف نهادهای دولتی و هدایت فساد گسترده در عوامی لیگ و وابستگان آن در بخش تجارت روبرو است. واکنش او به کسانی که از حکومتش انتقاد می‌کنند آن است که آنها را «رازاکار» می‌نامد که لقبی است که به همدستان ارتش پاکستان در زمان اشتغال کشور در سال ۱۹۷۱ اطلاق می‌شد. این واکنش نشان می‌دهد که نخست‌وزیر ۷۶ ساله تا چه اندازه از واقعیت‌ها فاصله گرفته است. حتی متحدانش در محافل خصوصی به اشتباه و اعتراف

۷۶

دلار

قیمت جدید نفت

حمایت تنش نظامی در منطقه از نفت برنت به دلیل داده‌های ضعیف اقتصادی در بزرگ‌ترین کشور مصرف‌کننده دنیا، کارساز نشد. طلای سیاه با افت ۵ درصدی و بی‌سابقه به ۷۶ دلار رسید. منطقه قیمتی که آخرین بار در آغاز سال ۲۰۲۴ در آن قرار داشت. درحال حاضر با وجود حفظ کانال ۸۰ دلار در عمده روزهای معاملاتی سال ۲۰۲۴، نفت برنت به ۷۶ دلار رسید و بازدهی سال ۲۰۲۴ تقریباً به صفر نزدیک شد.

می‌کنند اما هیچ وزیری جرأت ندارد اشتباهش را به او گوشزد کند. تمام اینها بدان‌معناست که زوال حزب حاکم به همان سرعت پرتاب گاز اشک‌آور و سوختن ماشین‌ها در خیابان‌ها پیش می‌رود. عوامی لیگ احتمالاً از این بحران جان سالم به در خواهد برد اما به گفته یکی از افراد درون حکومت این بحران باعث می‌شود نسل جوان و سیاستمداران توانمند بالقوه نتوانند تا زمان برقراری این حکومت به کشورشان خدمت کنند. پیامدهای درازمدت بحران ممکن است برای عوامی لیگ و خانم حسینیه فاجعه‌بار باشد.

کار به اقتصاددان سپرده شد

پس از حدود یک ماه تظاهرات بی‌وقفه در بنگلادش با هدایت جنبش دانشجویی و حمایت جامعه مدنی، در نهایت دولت اقتدارگرای شیخ حسینیه سرنگون شد و خودش هم به هند گریخت. در جلسه‌ای که با مشارکت رهبران جنبش دانشجویی، سمران ارتش، چهره‌های برجسته بخش خصوصی و همچنین نمایندگان جامعه مدنی برگزار شد، محمد یونس، برنده جایزه نوبل صلح، به سرپرستی دولت موقت بنگلادش در دوران گذار انتخاب شد. محمد یونس، اقتصاددان و برنده جایزه نوبل به‌عنوان رهبر موقت بنگلادش، روز پنج‌شنبه به این کشور بازگشت. به این ترتیب، گزینه معترضان و دانشجویان برای رهبری دولت موقت در همین روز قدرت را به دست می‌گیرد، تا روند بازگشت آرامش به این کشور و بازسازی آن پس از قیامی که به حکومت ۱۵ ساله شیخ حسینیه پایان داد، ممکن شود.

پروفسور محمد یونس در سال ۱۹۴۰ در شهر ساحلی چیتاگونگ بنگلادش متولد شد. در دانشگاه داکا (پایتخت بنگلادش) تحصیل کرد و کمی بعد موفق شد بورس تحصیلی مطالعات اقتصادی را در دانشگاه Vanderbit آمریکا به دست آورد. وی در سال ۱۹۶۹ مدرک دکترای خود را در رشته اقتصاد، از همان دانشگاه کسب کرد و در سال بعد به‌عنوان استادیار در دانشگاه ایالت تنسی آمریکا مشغول به کار شد. او پس از بازگشت به کشورش، ریاست دپارتمان اقتصاد دانشگاه چیتاگونگ را به دست گرفت. پروفسور یونس، از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵، عضو گروه مشورتی بین‌المللی چهارمین کنفرانس جهانی زنان بود؛ سستی که از سوی دبیرکل سازمان ملل به آنان منصوب شده بود. وی در کمیسیون بهداشت زنان، شورای مشورتی توسعه اقتصادی پایدار و گروه کارشناسان سازمان ملل در حوزه زنان و بهداشت نیز حضور فعال داشته است. یونس در سال ۲۰۱۰ مسئولیت «کمیسیون باند پهن برای توسعه دیجیتال» را بر عهده گرفت. این کمیسیون یکی از نهادهای سازمان ملل محسوب می‌شود که هدف آن بهره‌گیری از خدمات اینترنت برای تسهیل توسعه اجتماعی و اقتصادی است.

در سال ۲۰۱۲ پروفسور یونس از سوی مجله فورچون به‌عنوان یکی از ۱۲ کارآفرین برتر جهان در عصر حاضر معرفی شد. در این مجله آمده است: «یونس، الهام‌بخش جوانان بی‌شماری بود تا در سراسر دنیا خود را وقف مقاصد اجتماعی کنند». پروفسور یونس تألیفات متعددی دارد که از آن میان سه کتاب «بانکداری برای فقرا»، «خلق دنیایی بدون فقر»، «پایه‌گذاری تجارت اجتماعی» از شهرت ویژه‌ای برخوردارند و در بسیاری از کشورهای جهان به زبان‌های مختلف ترجمه شده‌اند.

محمد یونس در اولین اظهارنظر خود پس از ورود به بنگلادش در نشست خبری اعلام کرد که اولویت او برقراری نظم خواهد بود. او درحالی که برخی از رهبران دانشجویان که قیام علیه شیخ حسینیه را سازماندهی کردند در کنارش بودند، در این باره گفت: «بنگلادش یک خانواده است. ما باید آن را متحد کنیم».

دیدگاه: یادداشت اجتماعی

نگاه طفیلی بار

توصیه به رئیس جمهور
برای انتخاب وزیر میراث فرهنگی و گردشگری



مریم اطمینانی
روزنامه‌نگار میراث فرهنگی

درحالی اسامی نامزدها برای نشست بر مسند وزارت‌های مختلف در محافل سیاسی دست‌به‌دست می‌شود که ساعت‌به‌ساعت اسامی احتمالی برای نشست بر مسند میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی درحال تغییر است. آن هم نه براساس تخصص، سابقه کارشناسی یا سابقه حضور در وزارتخانه بلکه براساس عدم تصدی افراد بر پست‌های دیگر!

گویی افرادی که در تلاش‌اند در وزارتخانه‌های دیگر بر مسند بنشینند، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را هم در آبنمک خوابانده‌اند تا اگر آن یکی نشد حتماً این یکی بشود، ملاک و معیار همین است و نه هیچ چیز دیگری!

چنین نگاه طفیلی‌باری به این وزارتخانه، سبقه‌ای از دهه ۸۰ به بعد دارد تا آنجا که این وزارتخانه همواره سکوی پرش سیاسیون و جاماندگان از منصب بوده است. آقای پزشکیان نوع نگاه دولت به فرهنگ و هنر و گردشگری، جدا از انتخاب وزیر آن نیست. انتخاب وزیر که یک روز می‌گوید، نامزد این حوزه نمی‌شود و همزمان نامزد چندین وزارتخانه بی‌ربط دیگر است که مسئولیت‌هایی کاملاً متفاوت و بعضاً متناقض دارند و دوباره چون پستی نصیبش نمی‌شود، انگور این تاختستان به دهانش شیرین می‌آید نه تنها برانزده این وزارتخانه نیست بلکه بسی خطرناک است!

چراکه این طیف افراد بسیار منصب دوستند نه فرهنگ دوست! این افراد صدای قدرت‌دوستان و منصب‌دوستان و لایبی‌گران است نه صدای بی‌صدایان.

مردمی‌سازی و ایران‌هراسی‌زدایی دو وظیفه ضمنی این وزارتخانه است و این میسر نمی‌شود، مگر آنکه کسی بر مسند بنشیند که ادبیات گفتمانی سه حوزه این وزارتخانه را بشناسد، در این حوزه حضور داشته و سبقه فرهنگی‌اش به همین حوزه ربط داشته باشد، جوان باشد و طرحی نو دراندازد.

نه اینکه گوی میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی بازچه جوان‌سواران صحنه قدرت کسانی بشود که پیش‌تر آزمون خود را در دولت‌های پیشین پس داده‌اند.

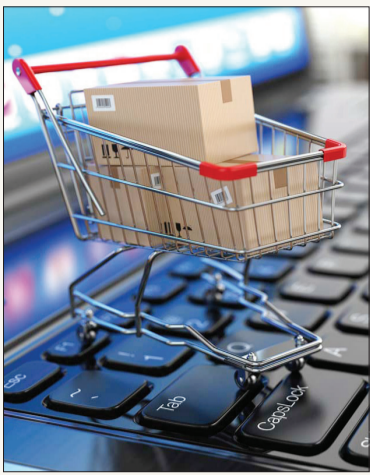
رهبری پیش‌تر تاکید کرده‌اند که در زمینه فرهنگی باید قوی بشوید. همچنین مهم‌ترین اولویت کشور را ابتدا اقتصاد و بعد از آن، فرهنگ و رسانه و علم دانستند. لازم به ذکر است، اگرچه به دلیل شرایط به وجود آمده، اقتصاد را اولویت دانسته‌اند اما همیشه بر اهمیت موضوعات فرهنگی تاکید کرده و شخصاً بدان اهتمام و توجه دارند.

حال به چه علت باید پای آزمون‌دندان دولت‌های پیشین در وزارتخانه‌های دیگر را به این وزارتخانه باز کنید؟! کار ناتمام این افراد در آن وزارتخانه‌ها و منصب‌ها چه بوده که اکنون می‌خواهند آن را در این دولت و در این وزارتخانه به منصفه ظهور بگذارند؟

مردم به شما رای نداده‌اند که صاحبان منصب پیشین دولت‌های قبل حمایت از شما یا داشتن رابطه با شورای راهبری یا جینش پرحاشیه کمیته انتخابات، ولع نشست بر منصب این وزارتخانه را داشته باشند؟

همان‌هایی که کارنامه‌شان در سایر حوزه‌ها و تورق نام‌شان در اینترنت بسیار پرحاشیه است؟

محصول برآمده از کمیته انتخابات این وزارتخانه به دلیل انتخاب نامناسب اعضا از ابتدا که باید پرسید محصول چه درایتی بوده، شورویخانه خواسته غالب ایران‌دوستان و فرهنگ‌بانسان یا حتی اهالی صنعت گردشگری و صنایع دستی نبود اما به هر حال در این شرایط دست‌کم کاری که می‌توانید بکنید این خطا در انتخاب بین چند گزینه اعلام شده برای وزارت تکمیل نشود.



مزایای فروش آنلاین گوشت

فروش آنلاین گوشت می‌تواند ظرفیت‌های زیادی را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهد. در فروشگاه‌های آنلاین گوشت بسته‌بندی، مشتری می‌تواند به راحتی به تنوع بالایی از محصولات دسترسی پیدا کند. همچنین به سادگی می‌تواند قیمت محصولات مختلف را مقایسه کند و برای خود بهترین محصول را انتخاب کند. خرید آنلاین گوشت بسته‌بندی به شما اجازه می‌دهد که در زمان خود صرفه‌جویی کنید. شما نیازی به رفتن به فروشگاه‌ها را ندارید و به راحتی می‌توانید با چند کلیک، گوشت مورد نظر را خریداری و با حفظ زنجیره سرد درب منزل خود دریافت نمایید. فروشگاه‌های آنلاین گوشت بسته‌بندی بیشتر به کیفیت محصولات خود اهمیت می‌دهند زیرا با توجه به رقابت بیشتر در بازار باید به مشتریان خود کیفیت بالایی ارائه دهند. همچنین بسیاری از فروشگاه‌ها به گواهی‌نامه‌های کیفیت مختلف دست پیدا کرده‌اند که اطمینان می‌دهد، محصولاتی که ارائه می‌دهند با استانداردهای کیفیت مطابقت دارد. یکی از مزیت‌های مهم خرید آنلاین گوشت این است که می‌توانید محصولات خود را در راحت‌ترین شرایط ممکن دریافت کنید. در واقع شما نیازی به رفتن به فروشگاه ندارید و می‌توانید با چند کلیک به سادگی گوشت بسته‌بندی را خریداری نمایید. تغییر دما باعث تغییر رنگ و مزه، تغییر بافت گوشت و جذب آلودگی‌ها میکروبی می‌شود. به همین دلیل توصیه می‌شود، گوشت را به شکل بسته‌بندی تهیه نمایید. حمل توسط ماشین‌های یخچال‌دار با حفظ زنجیره سرد، باعث حفظ کیفیت و سلامت گوشت تا درب منزل می‌شود؛ ویژگی‌ای که فروشگاه‌های آنلاین معتبر در فرآیند ارسال محصول رعایت می‌کنند.

ادامه تیتراژ

دختران تاریخ‌ساز

ناهید کیانی در مرحله بعدی در مقابل ورزشکاری از لبنان قرار گرفت و توانست با نمایشی درخشان و قاطعانه حریف خود را در دو راند شکست دهد. کیانی با کسب مدال نقره تاریخ‌سازی کرد و به نخستین زن ایرانی تبدیل شده که به فینال بازی‌های المپیک راه می‌یابد. او همچنین با ارزش‌ترین مدال زنان ایرانی در بازی‌های المپیک را به خود اختصاص داد. پیش‌تر کیما علیزاده و مبینا نعمت‌زاده مدال برنز کسب کرده بودند. کیما علیزاده هم با این مدال برنز توانست افتخارات خود در المپیک را به ۲ مدال برنز افزایش دهد.

اما با وجود نتایج درخشان، مصاف دو ایرانی برای ایرانیان تقابلی شاد و غم‌ناک بود. کیما علیزاده در المپیک ۲۰۱۶ ریو به اولین زن ایرانی تبدیل شد که در المپیک مدال می‌گیرد اما چندی بعد او با پرچم کشور دیگری مسابقه داد. او سال ۱۳۹۸ از ایران مهاجرت کرد و پس از حضورش در آلمان و نداشتن زمان کافی برای دریافت تابعیت آلمانی، مجبور شد در قالب تیم پناهندگان در المپیک توکیو به میدان برود. او بعد از مدتی مشکل تابعیتش را حل کرده و نه برای آلمان بلکه با پرچم بلغارستان در رقابت‌های بین‌المللی شرکت کرد.

در واکنش به خروج کیما از کشور، رسانه‌ها دو دسته شدند. برخی او را خان دانسته و به شجاعت او پرداختند و برخی دیگر هم او را بی‌گناه دانسته و مقصر اصلی این مهاجرت تلخ را فدراسیون تکواندو و از همه مهم‌تر شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور می‌دانستند. همچنین گروهی معتقد بودند سخت‌گیری‌های وزارت ورزش، دخالت بیش از حد آنها در فدراسیون‌ها به‌خصوص عدم اجرای تعهداتش به ورزشکاران علت اصلی مهاجرت علیزاده بوده است. او در بخشی از پیام اینستاگرامی که بعد از خروجش منتشر کرده بود، آورد که «کسی به اروپا دعوت‌م نکرده و در باغ سبزه به رویم باز نشده. اما رنج و سختی غربت را به جان می‌خرم، این تصمیم از کسب طلای المپیک هم سخت‌تر است اما هر کجا باشم فرزند ایران زمین باقی می‌مانم. پشت به دلگرمی شما می‌دهم و جز اعتماد شما در راه سختی که قدم گذاشته‌ام، خواسته دیگری ندارم».

آمارهای رسمی نشان می‌دهد که طی ۲۰ سال گذشته دست‌کم ۳۸ ورزشکار از ایران مهاجرت کرده‌اند. بیشتر این آمار مهاجرت ورزشکاران متعلق به رشته‌های جودو با ۷ ورزشکار مهاجر، تکواندو و قایقرانی هر کدام با پنج ورزشکار و ژیمناستیک و شطرنج هر کدام با چهار ورزشکار است. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس که اردیبهشت ۱۳۹۹ با عنوان «واکاوای مساله مهاجرت

ورزشکاران و ارائه راهکارهای اثربخش» منتشر شده از روند رو به رشد مهاجرت ورزشکاران به کشورهای مختلف خبر داده است. در سال‌های اخیر ورزشکارانی همچون «سعید ملایی» در رشته جودو، «میلاد بیگی» در رشته تکواندو، «علیرضا فیروزجا» در رشته شطرنج و «ایمان جمالی» در رشته هندبال با خروج از ایران زیر پرچم سایر کشورها و فدراسیون‌های جهانی ورزش در میادین مسابقات حاضر شده‌اند.

در بخشی از این پژوهش آمده که ضعف مدیریتی و عوامل سیاسی، یعنی تلاش مخالفان برای جذب ورزشکاران دو دلیل مهاجرت ورزشکاران است: «علل مهاجرت ورزشکاران را می‌توان در دو دسته کلی عوامل مدیریتی (وضعیت اقتصادی کشور و به تبع آن ورزش، پرداختن افراطی مدیران ورزش به رشته فوتبال و کم‌اعتنایی به سایر رشته‌های ورزشی مدال آور، بی‌توجهی مسئولان به مسائل معیشتی ورزشکاران، فقدان نظام جامع بیمه‌ای و رفاه اجتماعی ورزشکاران ناشی از نبود نظام باشگاه‌داری، نبود لیگ‌های حرفه‌ای و منسجم و کارآمد در رشته‌های ورزشی المپیک، کیفیت و کمیت حداقلی امکانات، زیرساخت‌ها و تجهیزات ورزشی در برخی رشته‌های ورزشی، پشت خط ماندن ورزشکاران و اختلاف نظر با مسئولان فدراسیون یا کادر فنی) و عوامل سیاسی (تلاش منافقین و معاندین جمهوری اسلامی ایران برای مهاجرت ورزشکاران ایران) دسته‌بندی کرد».

اما با این همه باید گفت که تاکید زیاد روی دشمن بودن کیما علیزاده از سوی صداوسیما و برخی رسانه‌های جریان‌های خاص به ضرر ناهید کیانی هم تمام شده است. یادمان نرفته در المپیک توکیو بسیاری از مردم به خاطر موضع علیه حاکمیت و از ترس اینکه صداوسیما خواهد هر روز روی بخت کیما علیزاده بعد از ترک ایران و کشف حجاب مانور تبلیغاتی بدهد، آرزوی بخت ناهید کیانی را کردند. ناهید کیانی در المپیک قبلی رسماً قربانی سیاست‌های تفرقه‌افکنانه مقامات و تبلیغات مسموم صداوسیما شد. این بار هم به نوع دیگری کیانی در معرض خطر است. به شکلی که خیلی‌ها در شبکه‌های اجتماعی می‌گویند، این حلوا حلوا کردن کیانی از بغض علیزاده است، نه از حب موفقیت زنان در صحنه‌های جهانی.

البته در مورد این گزاره، نقطه نظرات متفاوتی وجود دارد. برخی معتقدند این گزاره غلط است چون سال ۲۰۱۶ که کیما اولین مدال تاریخ زنان ایران در المپیک را کسب کرد بدون هیچ تقابلی بسیار مورد توجه قرار گرفت و جوایز زیادی هم به دست آورد. در عین حال همین که این موفقیت تاریخی کیانی تحت الشعاع رفتار صداوسیما و موضع‌گیری‌های برخی مقامات سیاسی قرار گرفته، یعنی باز هم در حق این دختر تکواندوکار اجحاف می‌شود. مردم به جد اعتقاد دارند، ایران خانه همه ایرانی‌هاست؛ با هر تفکر و زبان و قومیتی. مردم ایران می‌دانند که این سیاست تفرقه‌افکنانه پیامدهای اجتماعی بسیار دردناکی خواهد داشت و موجب زخم‌هایی در جامعه می‌شود که التیام آنها به زودی انجام نخواهد شد.

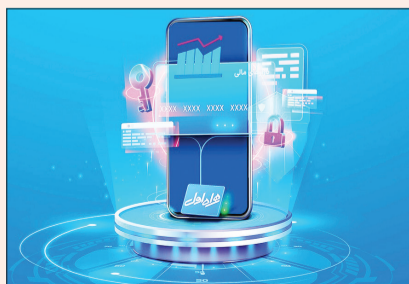
حمله صداوسیما به کیما

اما در این بین حمله صداوسیما به کیما علیزاده سبب واکنش تند برخی از کاربران فضای مجازی شد. جایی که مجری شبکه ورزش در واکنش به پیروزی ناهید کیانی گفت: «خانم علیزاده چقدر باید برای ایران و ناهید کیانی دعا کند که برسد به فینال که خودش در شانس مجدد حضور داشته باشد». این رسانه همچنین بعد از آنکه ناهید کیانی و کیما علیزاده بعد از دریافت مدال یکدیگر را در آغوش گرفتند، تصویر را قطع و به پخش رزومه ورزشی ناهید کیانی پرداختند. بسا این حال بسیاری از کاربران همزمان با انتقاد از عملکرد صداوسیما، توصیه کردند که نباید کیما علیزاده به عنوان ورزشکار نخبه ایرانی مورد ذم رسانه ملی و برخی افراد قرار بگیرد و به جای آن باید زمینه بازگشت این ورزشکار به کشور فراهم شود.

محمد جواد آذری جهرمی در توییتی نوشت: «ایران خانه همه ایرانی‌هاست؛ کاش کیما به ایران بازگردد و دوباره برنده باشد». شروین حاجی‌پور، خواننده در واکنش به رویارویی

حضور همراه اول در شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی بورس، بانک و بیمه

شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی صنعت مالی ایران (بورس، بانک و بیمه) از روز جمعه ۱۹ مرداد ۱۴۰۳ با حضور همراه اول به عنوان نخستین و بزرگ‌ترین اپراتور تلفن همراه کشور آغاز به کار می‌کند. گروه همراه اول همچون دوره پیشین با رویکرد «سرویس‌های حوزه بانکی و مالی» و محوریت «سرویس‌های فینتک، سرمایه‌گذاری و راهکارهای سازمانی» در این نمایشگاه که از بزرگ‌ترین رویدادهای مالی منطقه و یکی از مهم‌ترین اجتماعات فعالان اقتصادی کشور به حساب می‌آید، شرکت می‌کند. شرایط اقتصادی کشور در سال‌های گذشته به گونه‌ای بوده که لزوم برقراری ارتباط مستقیم و بدون واسطه و افزایش دانش مالی در بین مدیران، تصمیم‌سازان و فعالان اقتصادی کشور همچنین آحاد جامعه به خوبی احساس می‌شود. از این رو همراه اول به عنوان نخستین و بزرگ‌ترین اپراتور تلفن همراه کشور در طول برگزاری این رویداد به ارائه سرویس‌های مختلف



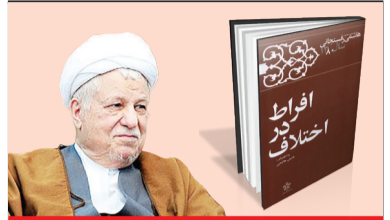
در حوزه‌های سرمایه‌گذاری، مالی، بیمه و فینتک می‌پردازد. در بخش راهکارهای سازمانی نیز به معرفی سرویس‌های «اپراتور خدمات بانکی»، «API Console»، کیف پول فراگیر و اپلیکیشن «آی‌بیمه»، «خدمات ابر اول» و «شعبه متصل - Con-nected branch» می‌پردازد. واحد سازمانی «امور سهام» شرکت همراه اول نیز در کنار سایر بخش‌های این گروه حضور می‌یابد و پاسخگوی سوالات و پرسش‌های سهامداران خواهد بود. سرویس‌های مختلف در حوزه‌های سرمایه‌گذاری، سرویس‌های فینتک و حوزه مالی، حوزه بیمه و سرویس‌های سازمانی هدف اصلی همراه اول از حضور در این نمایشگاه که سالانه با حضور جمع زیادی از شرکت‌های توانمند داخلی و خارجی در زمینه بورس، بانک و بیمه برپا می‌شود، تبادل دانش در حوزه ارتباطات، فناوری اطلاعات، کسب و کارهای دیجیتال و تعامل با بازیگران این صنعت است. همچنین با توجه به مقوله جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی که از جمله اهداف برپایی این نمایشگاه است گروه همراه اول در تمامی روزهای برگزاری این رویداد، اقدام به برگزاری کارگاه‌ها و پنل‌هایی تخصصی در حوزه مالی می‌کند. گروه همراه اول واقع در سالن ۷ نمایشگاه بین‌المللی تهران تا ۲۲ مرداد ۱۴۰۳ از ساعت ۸ تا ۱۵ میزبان علاقه‌مندان و بازدیدکنندگان است.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌سار، امیر اقلانعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروف‌چین: مجتبی دیگر • خنثانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۶۱

ادامه دوشنبه ۱۴ خرداد
۶ نفر کشته در یک اتوبوس زوار ایرانی
آمریکا برای جلوگیری از بحران بیشتر برای اسرائیل، تلاش وسیعی برای تجدید مذاکرات اسرائیل و فلسطین، شروع کرده است. [آریل] شارون، نخست‌وزیر اسرائیل را نیز از اقدام تلافی‌جویانه بازداشته و [یاسر] عرفات، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین هم وادار به اعلام آتش‌بس شده اما مردم فلسطین نمی‌پذیرند. متأسفانه یک اتوبوس زوار ایرانی در سوره آسیب دیده و ۶ نفر کشته و ۴۵ نفر مجروح شده‌اند.

سه‌شنبه ۱۵ خرداد

داغ شدن تبلیغات انتخاباتی
در منزل و کوشک مطالعه می‌کردم؛ بولتن‌های مرکز تحقیقات استراتژیک [مجمع تشخیص مصلحت نظام] در مورد تجارت جهانی و وضع عراق و خیر انفجار بمب تشعشی توسط عراق در آخر جنگ تحمیلی و نیز موضوع پیمان کیوتو [برای کاهش صدور گازهای گلخانه‌ای] که آمریکا اخیراً از آن خارج شده است. صبح خبری منتشر شد که حماس و فتح با آتش‌بس در داخل اراضی اسرائیل به صورت مشروط موافقت کرده‌اند اما عصر تکذیب شد. رسانه‌های خارجی، بیانیه‌ای از یک موبد زرتشتی پخش کردند که به فتوایی از رهبری در مورد ارث وارث مسلمان از مُرده زرتشتی، اعتراض کرده است. در مورد نامه‌ای از مهندس [عزت‌الله] سبحانی، مدیرمسئول ماهنامه ایران فردا از زندان به خانوادهاش، بحث زیادی راه انداخته‌اند که او بار دیگر به انحرافات خود اعتراف کرده و از خانوادهاش خواسته به ناحق منکر نشوند؛ جناح دوم خرداد و رسانه‌های خارجی در مورد صحت نامه تردید ایجاد کرده‌اند. تبلیغات انتخاباتی داغ شده و درگیری‌هایی بین طرفداران نامزدها و زدوخوردهایی به وقوع پیوسته است.

چهارشنبه ۱۶ خرداد

دیدار با سفیر کره جنوبی
با آقای لی سونگ چون [سفیر کره جنوبی ملاقات داشتم. گفت، در کره شما را به عنوان کسی که پایه‌های روابط ایران و کره را مستحکم کرده می‌شناسند و خواست که سفری به کشورشان بروم. در مورد کم شدن مشکلات اقتصادی و رو به خوبی رفتن روابط با کره شمالی توضیحاتی داد و من هم خواستار توسعه همکاری و وحدت دو کره شدم. آقای [محمدحسن] قدیری بیانیه آمد. طرحی برای پاک کردن سمپاشی‌های دشمنان علیه من رایج داد و نمونه آن را پسرش که دانشجوی است، تهیه کرده، آورد و برای استفاده از تر خود در مورد صرفه‌جویی در وقت در نظام اداری خواستار همکاری مجمع [تشخیص مصلحت نظام] شد و گفت، او و جمعی از مدیران ارشد وزارت امورخارجه با اینکه از وزارت حقوق دریافت می‌کنند، کاری به آنها ارجاع نمی‌شود. عصر [آقای احمد ناطق‌نوری]، رئیس فدراسیون بوکس همراهِ آقای [علی‌اصغر] کاظمی، قهرمان بوکس آمدند. ضمن قدرانی از من، به خاطر تجدید حیات ورزش بوکس، از عدم پخش اخبار و تصاویر ورزش بوکس در صداوسیما اظهار ناراحتی کردند و گفتند بیش از ۲۰۰ هزار ورزشکار بوکس، انتظار شنیدن اخبارشان را دارند و از من برای رفع مانع استمداد کردند و گفتند، گویا نظر رهبری موافق نیست؛ گرچه بوکس را تحریم نکرده‌اند. قبلاً بعضی از علما تحریم کرده بودند.

قارچ سمی

۷۹ سال از بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی توسط آمریکا می‌گذرد



نیره خادمی
گروه تاریخ

توده‌های سفید و قارچ‌گونه دود سفید که در آسمان هیروشیما شکل گرفت، پدر بمب اتمی از دور درحال تماشای آن بود و با خود می‌گفت: «من خود مرگ شده‌ام، ویرانگر جهان‌ها». مردم هیروشیما و ناکازاکی امسال درحالی مراسم یادبود هفتادونهمین سالگرد بمباران دو شهر غربی ژاپن را برگزار کردند که در یک سال گذشته، بحث‌هایی زیادی درباره رابرت اوپنهایمر، پدر بمب اتمی شکل گرفته است. وقتی در سال ۱۹۴۵ آمریکا به فاصله سه روز در دو شهر ژاپن، عملیات بمباران اتمی را اجرا کرد، رابرت اوپنهایمر، پدر بمب اتمی هنوز در پایان راه پروژه منتهن برای ساخت بمب هسته‌ای بود و مجوز امنیتی او حدود ۸ سال بعد به علت انتقاداتی که نسبت به نحوه استفاده از این بمب داشت به حالت تعلیق درآمد.

بمب‌ها چطور روی سر مردم خراب شد؟

آمریکا به دستور هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در عرض کمتر از یک هفته، دو بمب اتمی را روی ژاپن انداخته بود تا به اصطلاح خودشان، جنگ جهانی دوم را پایان دهند. «پسر کوچک» به سمت هیروشیما رفت و به علت شکل هموار شهر، تبعات وسیع‌تری بر جای گذاشت اما از آنجایی که دره‌ای ناکازاکی را به دو بخش تقسیم کرده بود و «مرد چاق» در نیمه شهر منفجر شده بود، صدمات به مراتب

کمتری را وارد کرد. بمب‌ها در فاصله ۵۷۶ متری زمین منفجر شد و حرارتی برابر با چند میلیون درجه، گویی آسمان را آتش زده بود و وقتی آن هُرم گرما به زمین رسید چندین هزار درجه سانتی‌گراد بود؛ گرمایی که در شعاع یک‌ونیم کیلومتری همه چیز را بخار و به خاکستر تبدیل کرد. ساختمان‌ها و انسان‌ها سوختند و وقتی انفجار دوم صورت گرفت در تصویری آخر زمانی، همه چیز در شعاع دو کیلومتری به غبار تبدیل شد. ترومن در ظاهر موفق شده بود در کمتر از دو هفته به جنگ پایان دهد؛ جنگ جهانی دوم، یک هفته بعد از انفجار دوم در ناکازاکی پایان یافته بود و آمریکا نام خود را به عنوان «کشوری که برای اولین بار در جهان از بمب اتمی استفاده کرد» در تاریخ ثبت کرد. پایان این جنگ اما مرگ ۸۰ هزار نفر در هیروشیما و ۴۰ هزار نفر در ناکازاکی و مسومیت هزاران نفر را به همراه داشت. به گفته مقامات ژاپنی البته حدود ۵۰۰ هزار نفر بر اثر پرتاب بمب اتمی آمریکا به این دو شهر ژاپن، جان خود را از دست دادند و اکثر کشته‌شدگان غیرنظامی بودند.

روایت یکی از شاهدان بمباران اتمی
وزیاتو، میکیو سایکی که هنگام بمباران اتمی هیروشیما ۱۳ سال بیشتر نداشت در ۹۲ سالگی جزئیاتی از این واقعه را بازگو



در واکنش به اخباری مبنی بر اینکه آلمان موفق به تقسیم کردن اتم شده است، آغاز کرد و بعد هم اوپنهایمر برای سرپرستی آزمایشگاه بمب انتخاب شد. او در نهایت توانست حدود ۴ هزار نفر را برای ساخت بمب اتمی در لس‌آلاموس هدایت کند. رابرت اوپنهایمر پس از فاجعه هیروشیما حدود ۱۰ سال مورد ظن مقامات آمریکا قرار گرفت و مجوز امنیتی او تعلیق شد. او بعدها در سال ۱۹۶۵ وقتی جایزه نبرکو فرمی را هم در خانه داشت درباره نتیجه کارش در پروژه منتهن گفته بود: «ما می‌دانستیم که جهان دیگر مانند قبل نخواهد بود. چند نفر خندیدند، چند نفر گریه کردند و بیشتر افراد ساکت بودند». او اگرچه در زمان رها شدن بمب‌ها، اوپنهایمر از سهیم بودن در پایان جنگ خوشحال بود اما بعدها خطاب به «انجمن فیلسوفان آمریکا» گفت: ما وحشتناک‌ترین سلاح را ساخته‌ایم؛ چیزی که ماهیت جهان را به طور ناگهانی و عمیق تغییر داده است. چیزی که براساس تمام معیارهای جهانی که در آن بزرگ شده‌ایم، شیطانی است و با این کار، ما دوباره این پرسش را مطرح کرده‌ایم که آیا علم برای انسان خوب است یا خیر. او در ۱۸ فوریه ۱۹۶۷ تنها یک سال پس از بازنستستگی درحالی که ۶۲ سال داشت بر اثر ابتلا به سرطان درگذشت. سال گذشته کریستوفر

نولان فیلمی درباره شخصیت اوپنهایمر ساخت؛ فیلمی که پس از اکران در ژاپن بحث‌هایی زیادی ایجاد کرد. بسیاری به فقدان نقش ژاپن به عنوان پاک‌کننده صدها هزار قربانی بمب اتم اوپنهایمر در فیلم انتقاد کردند. با گذشت نیم قرن از فاجعه هیروشیما، موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم در سال ۲۰۲۳ اعلام کرد که درحال حاضر ۹ کشور از جمله ایالات متحده آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه، چین، هند، پاکستان، کره شمالی و اسرائیل «سلاح‌های هسته‌ای» دارند و حدود ۹۰ درصد از ۱۲ هزار و ۵۱۲ کلاهک هسته‌ای موجود در جهان در آمریکا و روسیه است.

شروع در لهستان، پایان در ژاپن

تنش بین ایالات متحده آمریکا و ژاپن قبل از جنگ جهانی دوم، فاجعه بزرگی را در تاریخ جنگ‌ها رقم زد. ژاپن در سال ۱۹۳۷ به شرق چین حمله کرده بود و آمریکا و کشورهای غربی در پاسخ به این حمله، صادرات بسیاری از محصولات از جمله نفت را به ژاپن ممنوع کرده بودند. اگرچه بعدها صادرات از سر گرفته شد اما هیچ‌گاه توافق قطعی بین دو کشور صورت نگرفت. ژاپن در ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۰ میلادی در جریان جنگی که هیتلر آغاز کرده بود با آلمان و ایتالیا پیمان سه‌جانبه امضا کرد و از هفتم دسامبر سال ۱۹۴۱ عملاً به آن پیوست. ژاپن به علت کمبود نفت و مواد طبیعی، جاه‌طلبی، تغییر موازنه قدرت به نفع خود و تهدید قدرت آمریکا به عنوان قدرت برتر اقیانوس آرام در آن زمان به بندر پرل‌هاربر در جزایر هاوایی حمله کرد و جنگ میان این دو کشور به دنبال کشته شدن ۲ هزار و ۴۰۳ سرباز آمریکایی و زخمی شدن هزار و ۱۷۸ سرباز دوباره تشدید شد. دو طرف اعلام جنگ کردند اما تا سال ۱۹۴۵ پس از سلسله درگیری‌ها میان نیروهای متفقین (متشکل از آمریکا، شوروی، بریتانیا، فرانسه و چین) و متحدین (متشکل از آلمان، ایتالیا و ژاپن) سرانجام سند تسلیم بی‌قیدوشرط آلمان در پایتخت این کشور امضا شد و روزولت، استالین و چرچیل در فوریه در اجلاس یالتا، آلمان را به چهار منطقه اشغالی بین کشورهای آمریکا، بریتانیا، فرانسه و شوروی تقسیم کردند. پس از تسلیم آلمان اما ژاپن قصد ترک جنگ را نداشت و گفته می‌شود که ترومن، سی‌وسومین رئیس‌جمهور آمریکا برای پیشگیری از پیشروی و سرسختی ژاپن، دستور پرتاب دو بمب اتمی به سمت ژاپن با مسئولیت خود را داد بنابراین دومین جنگ جهانی تاریخ بشر که در سال ۱۹۳۹ با حمله آلمان به لهستان شکل گرفته بود، خون‌بارتر به پایان رسید. دوم سپتامبر همان سال سند تسلیم بی‌قیدوشرط ژاپن روی عرشه رزم‌ناو آمریکایی میسوری در حضور ملوانان و افسران متفقین توسط داکلاس مک آرتور، ژنرال ارتش آمریکا امضا شد و دومین جنگ جهانی روی عرشه این کشتی پایان یافت.

یاد

در غم سایه

دومین سالگرد درگذشت امیر هوشنگ ابتهاج



در سال‌های اخیر خیلی‌ها امیر هوشنگ ابتهاج را با صدایش از طریق شبکه‌های اجتماعی بیشتر شناختند؛ شاعری که ۱۱ سال پیش از انقلاب در جشن هنر شیراز و در آرامگاه حافظ شعر می‌خواند و مردم را مجذوب شعرخوانی اش می‌کند. باستانی‌پاریزی در سفرنامه معروف خود، استقبال شرکت‌کنندگان و هیجان آنها پس از شنیدن اشعار سایه را شرح می‌دهد و می‌نویسد که تا قبل از آن هرگز باور نمی‌کرده که مردم از شنیدن یک شعر نو تا این حد هیجان‌زده شوند. ۱۹ مرداد امسال، دومین سالی است که جهان ما بدون هوشنگ ابتهاج است. سایه خطابش می‌کردند و خودش درباره این تخلص گفته بود: «حروف و کلمات برای من رنگ دارند: «ر» خاکستری، «گ» نارنجی و «ح» سیاه است. یا کلمات برایم سرد و گرم‌اند: سایه کلمه‌ای «سرد» است، گلایی کلمه‌ای «گرم». به گمان من در کلمه سایه یک مقدار آرامش و خجالتی بودن و فروتنی و بی‌آزار بودن هست؛ اینها برای من جالب بود و با طبیعت من می‌ساخت. خود کلمه سایه از نظر حروف الفبا حروف نرم بدون ادعایی است. در آن نوعی افسوس است و ذات معنای این کلمه، نوعی افتادگی دارد در مقابل خشونت و حتی می‌شود گفت وقاحت». از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ شمسی سرپرست برنامه گل‌ها در رادیوی ایران و پایه‌گذار برنامه موسیقایی گلچین هفته بود. غزل‌ها، تصنیف‌ها و اشعار نیمایی او بارها از سوسی محمدرضا شجریان، علیرضا افتخاری، شهرام ناظری، حسین قوامی و محمد اصفهانی اجرا شده بود. از میان آنها تصنیف تو ای پری کجایی و تصنیف سپیده (ایران ای سرای امید) بسیار خاطره‌انگیز و معروف شده است. در سال‌های منتهی به انقلاب، بعد از ماجرای تلخ ۱۷ شهریور در میدان ژاله به همراه محمدرضا لطفی، محمدرضا شجریان و حسین علیزاده در حرکتی اعتراضی، استعفا خود را از رادیو نوشت. سایه را سال ۶۲ با اتهام فعالیت در حزب توده بازداشت کردند و ۳۶۲ روز در زندان بود. آخرین شعری هم که در زندان سرود درباره ارغوان و دل‌تنگی برای خانه کوشک بود. او این شعر را به یاد درخت بزرگ گل ارغوان که در حیاط خانه داشت و هر روز آن را آب می‌داد، سرود و این شعر شهرت زیادی پیدا کرد. تصحیح او از غزل‌های حافظ از مهم‌ترین آثار هوشنگ ابتهاج است که با عنوان «حافظ به سعی سایه» در ۱۳۷۲ شمسی چاپ شد. او سال‌های زیادی را صرف پژوهش و حافظ‌شناسی کرده است. در تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۹۵ شمسی، بیست‌وسومین جایزه ادبی و تاریخی محمود افشارزادی در باغ موقوفات افشار به انتخاب اعضای هیات گزینش جایزه این بنیاد به هوشنگ ابتهاج اهدا شد و در سال ۹۷ در مراسم پایانی ششمین «جشنواره بین‌المللی هنر برای صلح» نشان عالی «هنر برای صلح» به او و ۳ هنرمند دیگر اهدا شد. در رشت به دنیا آمده بود و در کلن آلمان در گذشت. پدر او، میرزا آقاخان ابتهاج از افراد سرشناس در رشت بود که مدتی هم رئیس بیمارستان پورسینا در این شهر بود. دوران ابتدایی را در رشت گذراند و بعد از گذراندن سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل راهی تهران شد. او سال پنجم دبیرستان را در دبیرستان تمدن تهران تحصیل کرد و همان‌جا نخستین دفتر شعرش را هم نوشت و منتشر کرد. هیچ‌گاه هم درس و مدرسه را دوست نداشت. در جوانی عاشق دختری ارمنی به نام گالیا شد؛ عشقی که بعداً الهام‌بخش اشعار شاعرانه او شد و شعری برای او سرود. او در این شعر علاوه بر اوضاع موجود، دیدگاه‌های سیاسی خودش را هم به تصویر کشید. البته در نهایت با آلمان‌مآبیکال ازدواج کرد و صاحب ۴ فرزند شد. درباره مهاجرتش به آلمان گفته بود: «رفتن من به آلمان اجبار نبود، اول یکی از بچه‌هایم رفت آلمان، بعد زنم رفت که بچه‌ام تنها نباشد، بعد بچه‌های دیگر رفتند، یک مدتی هم من ممنوع‌الخروج بودم، بالاخره من هم سال ۶۴ رفتم. مهاجرت نکردم و گاهی تهران هستم».